

همزمان با روز بزرگداشت علامه طباطبایی تبریزی، طرح نو بررسی می‌کند:

## فیلسوفی که پیوند دهنده حکمت متعالیه، تفسیر قرآن و میراث باستانی ایران بود

در صفحه یک

شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۲ قیمت ۵۰۰۰ تومان

# طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

از نبرد سخت تا آشوب خاموش؛

## سناریوی تازهی امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

طرح نو؛ سردبیر

پس از شکست آشکار رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، که در عمل به نقطه‌ای از فروپاشی راهبردی در برابر محور مقاومت تبدیل شد، اکنون تل‌آویو و واشنگتن در حال بازآرایی نقشه‌های هستند که دیگر بر اساس توپ و تانک بنا نشده است. این دو متحد قدیمی، که در میدان نظامی نتوانستند معادله امنیتی منطقه را به سود خود بازنویسی کنند، به سوی گونه‌های از تقابل تازه حرکت کرده‌اند؛ تقابلی که می‌توان آن را «جنگ ترکیبی - اجتماعی علیه ایران» نامید. در این سناریو، هدف نه تصرف نظامی خاک ایران، بلکه تغییر ذهن جامعه، تضعیف اعتماد به دولت، و تخریب تدریجی ثبات اجتماعی است؛ جنگی بی‌صدا، اما عمیق.

سرچشمه این تغییر راهبردی را باید در ناکامی‌های متوالی غرب در مواجهه مستقیم با قدرت‌های محوری خاورمیانه جست‌وجو کرد.

طی دو دهه گذشته، آمریکا و اسرائیل به‌کرات در میدان نظامی شکست خورده‌اند: از لبنان و غزه تا یمن و عراق؛ و هر بار.....

گزارش

۲

## آب؛ ابزار قدرت در سکوت

تحلیلی بر نقش ژئوپلیتیکی ترکیه در خاورمیانه

طرح نو، سردبیر

سردبیر: در دهه‌های اخیر، آب به‌ویژه در خاورمیانه، از منبع حیات به عامل رقابت تبدیل شده است. اکنون که بسیاری از مناطق منطقه با خشکسالی و فروپاشی زیست‌محیطی روبه‌رو هستند، نگاه‌ها به ترکیه دوخته شده است؛ کشوری که با تکیه بر کنترل سرشاخه‌های دجله و فرات، نقشی بی‌بدیل در آینده آبی خاورمیانه دارد.

نویسنده و تحلیلگر ترکیه‌ای گورکم برک گدی‌کلی در مقاله‌ای که با دیدی استراتژیک نگاشته، آب را نه به عنوان یک منبع طبیعی بلکه به مثابه اهرم ژئوپلیتیک درون معادلات امنیتی منطقه می‌بیند. در ادامه، متن کامل این مقاله منتشر و در پایان تحلیلی بر این قضیه خواهیم داشت.

## آب به مثابه اهرم ژئوپلیتیک: نقش استراتژیک ترکیه در خاورمیانه

«... به باور من، مسئله آب در خاورمیانه یک موضوع صرفاً زیست‌محیطی نیست، بلکه یک عامل استراتژیک و ژئوپلیتیک تعیین‌کننده است. این بحران مستقیماً بر امنیت، انرژی، کشاورزی و الگوهای مهاجرت در کل منطقه و حتی بر استراتژی بازیگران جهانی مانند اتحادیه اروپا، روسیه و آمریکا تأثیر می‌گذارد.

در این میان، تسلط ترکیه بر سرشاخه‌های رودهای فرات و دجله، به ویژه از طریق پروژه عظیم (GAP)، یک اهرم ژئوپلیتیک بی‌نظیر به....

طرح نو بررسی می‌کند:

## «راه آهن چین - ایران»

## بازگشت جاده‌ی ابریشم روی ریل»

در صفحه ۲



ورزش

۳

فقط یک حادثه می‌تواند سرنوشت را تغییر دهد؛

## بیرانوند؛ دروازه ایران بسته شد

شهری

۸

شهردار تبریز:

## تحقق چشم انداز توسعه‌ای شمالغرب تبریز در برنامه و بودجه ۱۴۰۴

همزمان با روز بزرگداشت علامه طباطبایی تبریزی، طرح نو بررسی می‌کند:

# فیلسوفی که پیوند دهنده حکمت متعالیه، تفسیر قرآن و میراث باستانی ایران بود

طرح نو؛ سردبیر

به مناسبت سالگرد درگذشت سید محمدحسین طباطبایی تبریزی، این گزارش به بررسی ابعاد چندوجهی این حکیم معاصر می‌پردازد. ایشان نه تنها مفسر بزرگ قرآن کریم و احیاگر فلسفه اسلامی در قرن بیستم بود، بلکه الگویی از خردورزی، اعتدال و تخصص عمیق در حوزه‌های مختلف قلمداد می‌شود. جایگاه ایشان فراتر از یک فقیه و فیلسوف، جایگاه یک «متجدد» فکری است که توانست جهان‌بینی اسلامی را در برابر چالش‌های مدرنیته به شیوه‌ای منسجم و استوار ارائه دهد. ایشان به حق می‌توانست «فیلسوف ذوالقرنین» زمانه خود باشد؛ کسی که در مشرق علم قدم نهاد و غبار ابهام را از چهره حقایق دینی زدود. تمرکز این گزارش بر سه محور کلیدی است: تفسیر نوگرایانه (المیزان)، جایگاه زبان فارسی و دیدگاه ایشان نسبت به شخصیت‌های تاریخی، که همگی نشان از جامعیت فکری علامه دارند.

## تفسیر المیزان، گفتگوی قرآن با زمانه

کتاب «تفسیر المیزان» بزرگ‌ترین و شاید تأثیرگذارترین اثر آیت‌الله طباطبایی است. این تفسیر نه صرفاً مجموعه‌ای از روایات یا تفاسیر فقهی، بلکه تلاشی است برای بازخوانی کل قرآن به مثابه یک نظام فکری واحد. علامه در این اثر، با روشی بدیع و منسجم، کوشید تا ساختار معرفتی قرآن را به مخاطب امروزی عرضه کند. علامه طباطبایی به شدت بر روش «تفسیر قرآن به قرآن» تأکید داشت. در این روش، آیه به آیه به کمک سایر آیات قرآن تفسیر می‌شود تا معنای نهایی و منظور اصلی کلام وحی آشکار گردد. این شیوه پاسخی بود به پراکنده‌گویی‌ها و تفاسیر جزیره‌ای که پیش از ایشان رایج بود. علامه معتقد بود که قرآن کریم کتابی است که اجزای آن یکدیگر را توضیح می‌دهند و هیچ تناقضی در آن راه ندارد. ایشان با مهارت تمام، آیات الاحکام، آیات اخلاقی، آیات اعتقادی و آیات قصص را در یک شبکه منطقی به هم پیوند داد.

آنچه المیزان را از تفاسیر سنتی متمایز می‌سازد، رویکرد فلسفی و کلامی عمیق آن است. علامه طباطبایی، به‌ویژه در مقدمات و ذیل آیاتی که به مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و معاد می‌پردازند، تعسیری از دین ارائه می‌دهد که مستقیماً با پرسش‌های بنیادین فلسفه مدرن درگیر می‌شود. او توانست مفاهیم پیچیده فلسفی مانند «وجود»، «ماهیت»، «علت و معلول»، و «ادراک حسی و عقلی» را با زبان قرآنی تبیین کند.

تجلی یابد، اگر این تجلی با معیارهای قرآن همخوانی داشته باشد.

## شاعری پارسی‌گو؛ اهمیت زبان فارسی نزد علامه

اگرچه قلم اصلی فعالیت‌های فقهی، اصولی و فلسفی علامه طباطبایی زبان عربی بود، اما ارادت ایشان به زبان فارسی و جایگاه آن در تمدن اسلامی، امری انکارناپذیر است. ایشان خود اشعاری نیز در این زبان سروده‌اند که نشان از ارتباط عمیق ایشان با فرهنگ ایرانی دارد:

همی گویم و گفته ام بارها  
بود کیش من مهر دلدارها

پرستش به مستی‌ست در کیش مهر  
بروندن زین جرگه هشیارها

به شادی و آسایش و خواب و خور  
ندارند کاری دل افکارها

بجز اشک چشم و بجز داغ دل  
نباشد به دست گرفتارها

کشیدند در کوی دلدادگان  
میان دل و کام دیوارها

چه فرهادها مرده در کوه ها  
چه حلاج‌ها رفته بر دارها

چه دارد جهان جز دل و مهر یار  
مگر توده‌هایی ز پندارها

ولی رادمردان و وارستگان  
نبازند هرگز به مردارها

مهین مهرورزان که آزاده‌اند  
بریدند از دام جان‌تارها

به خون خود آغشته و رفته‌اند  
چه گل‌های رنگین به جویبارها

بهاران که شهابش ریزد سپهر  
به دامان گلشن ز رنگبارها

کشد رخت سبزه به هامون و دشت  
زند پارگه گل به گلزارها

نگارش دهد گلین جویبار  
در آیینی آب رخسارها

رود شاخ گل دربر نیلوفر  
برقصد به صد ناز گلنارها

دزد برده غنچه از باد بام  
هزار آورد نغز گفتارها

به آرای نای و به آهنگ چنگ  
خروشد ز سرو و سمن تارها

به یاد خامی ابروی گلرخان



مانع در برابر اقوام یاجوج و ماجوج در نواحی قفقاز (بین دریای خزر و دریای سیاه).

۴. عدالت‌گستری و خداباوری: تأکید بر اینکه ذوالقرنین، بر خلاف برخی پادشاهان مستبد، به خدا ایمان داشت و با عدل و قدرت الهی حکومت می‌کرد.

علامه با ارجاع به مدارک تاریخی آن دوران، نشان داد که کوروش کبیر، به دلیل فتوحات گسترده و حکومت مبتنی بر عدالت و مدارا، تنها شخصیتی است که با تمام اوصاف قرآنی منطبق می‌شود.

این تفسیر نشان‌دهنده دو جنبه حیاتی از شخصیت فکری علامه است:

الف) تلفیق میان متن مقدس و منابع تاریخی: علامه طباطبایی هرگز متن مقدس را در برابر تاریخ تحریف‌شده یا یافته‌های ناقص تاریخی قرار نداد. او با دیدی باز، منابع تاریخی معتبر (هرچند غیرمسلمان) را مورد مطالعه قرار داد و آنچه را که با ساختار کلی قرآن سازگار بود، پذیرفت. این امر نشان می‌دهد که ایشان حقیقت را تنها در چارچوب متون دینی جستجو نمی‌کرد، بلکه مرزهای معرفت بشری را نیز به رسمیت می‌شناخت.

ب) رویکرد میانه‌رو و گفتگو محور: این نگرش، برخلاف برخی دیدگاه‌های تندرو که هر شخصیت تاریخی غیردینی را نفی می‌کنند، تمایل علامه به گفت‌وگو با میراث بشری و ارج نهادن به شایستگی‌های تاریخی را آشکار می‌سازد. او اثبات کرد که ایمان و عدالت می‌تواند در هر انسانی، حتی پادشاهی باستانی،

به عبارت دیگر، المیزان یک «فلسفه دین» اسلامی است که در آن، دین به مثابه یک نظام تام و کامل برای فهم هستی مطرح می‌شود. این اثر پاسخی منسجم به چالش‌های الحاد، ماده‌گرایی و نسبی‌گرایی بود که جهان را در قرن بیستم فرا گرفته بود. علامه نشان داد که حکمت اسلامی، که ایشان آن را در حکمت متعالیه به اوج رسانده بود، تنها یک بحث نظری نیست، بلکه ریشه در حقایق صریح قرآن دارد.

## کوروش ذوالقرنین؛ نگاهی تاریخی-قرآنی

یکی از برجسته‌ترین و بحث‌برانگیزترین دیدگاه‌های علامه طباطبایی که عمق نگاه میان‌رشته‌ای و شجاعت فکری ایشان را نمایان می‌سازد، دیدگاه ایشان در خصوص هویت «ذوالقرنین» در سوره کهف است. علامه طباطبایی در تحلیل آیات مربوط به سفر ذوالقرنین، پس از بررسی دقیق منابع تاریخی، جغرافیایی و تفسیری، نتیجه گرفت که ذوالقرنین موعود در قرآن کریم، همان کوروش کبیر هخامنشی است. ایشان در تحلیل خود بر ویژگی‌های ذوالقرنین در قرآن متمرکز شد:

- سفر به مغرب (محل غروب خورشید): اشاره به فتوحات وسیع او تا سواحل مدیترانه یا اقیانوس اطلس.
- سفر به مشرق (محل طلوع خورشید): اشاره به فتوحاتش در آسیای مرکزی و شرق ایران.
- سفر به سرزمین بین دو سد: اشاره به احداث سد یا

بکش جام در بزم می‌خورا  
گره را ز راز جهان باز کن  
که آسان کند باده دشوارها

جز افسون و افسانه نبود جهان  
که بسته است چشم خشایارها  
به اندوه آینده خود را مباد  
که آینده خوابی ست چون پارها  
فریب جهان را مخور زینهار  
که در پای این گل بود خارها  
پیاپی بکش جام و سرگرم باش  
بهل گر بگیرند بیکارها

علامه طباطبایی که خود اصالتاً تبریزی بود و در قلب تمدن ایرانی-اسلامی رشد کرده بود، فارسی را نه صرفاً یک ابزار ارتباطی، بلکه حامل هویت و میراث فکری ملت ایران می‌دانست. در حالی که حوزه علمیه سنتی بر عربی تکیه داشت، علامه به خوبی می‌دانست که بخش عظیمی از میراث عرفانی و ادبی که مکمل حکمت نظری است، در این زبان مدون شده است.

این احترام به زبان فارسی، در اشعار عرفانی و اخلاقی ایشان نمود عینی یافته است. این اشعار، اگرچه ممکن است از نظر تعداد به پای آثار فلسفی نرسند، اما از نظر عمق احساس و اصالت محتوا، بسیار قابل توجه‌اند.

علامه در تفسیر خود و در درس و بحث‌های اخلاقی، پیوسته از اشعار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و حافظ شیرازی به عنوان بیان‌های هنری و عمیق مفاهیم عرفانی استفاده می‌کرد. برای ایشان، این شعرای بزرگ، نه صرفاً شاعر، بلکه مترجمان روح بلند انسان به زبان شعر بودند. استفاده از اصطلاحات عرفانی رایج در ادبیات فارسی (مانند سفر، سلوک، فنا و بقا) در محاورات و حتی مکاتبات ایشان، نشان از عمق درک و پذیرش این میراث داشت.

استفاده علامه طباطبایی از زبان فارسی در سرودن شعر، تأکیدی بود بر این باور که حکمت اسلامی در بستر فرهنگ ایرانی، به شکلی بی‌بدیل پاینده است. این امر نشان می‌دهد که ایشان، برخلاف رویکردهای قوم‌گرایانه، زبان فارسی را به عنوان بخشی حیاتی از هویت فکری خود پذیرفته بود. او کسی بود که می‌توانست در پیچیده‌ترین مباحث فلسفی عربی سخن بگوید، اما در بیان احساسات و حکمت اخلاقی، از ظرفیت‌های شاعرانه زبان مادری و تمدنی خود (فارسی) بهره ببرد. این ویژگی او را به نمادی از تلفیق موفق سنت‌های فکری و فرهنگی تبدیل کرد.

#### سرمقاله

از نبرد سخت تا آشوب خاموش؛

## سناریوی تازه‌ی امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

طرح نو؛ سردبیر

پس از شکست آشکار رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه، که در عمل به نقطه‌ای از فروپاشی راهبردی در برابر محور مقاومت تبدیل شد، اکنون تل‌آویو و واشنگتن در حال بازاریابی نقشه‌های هستند که دیگر بر اساس توپ و تانک بنا نشده است. این دو متحد قدیمی، که در میدان نظامی نتوانستند معادله امنیتی منطقه را به سود خود بازنویسی کنند، به سوی گونه‌ای از تقابل تازه حرکت کرده‌اند؛ تقابلی که می‌توان آن را «جنگ ترکیبی - اجتماعی علیه ایران» نامید. در این سناریو، هدف نه تصرف نظامی خاک ایران، بلکه تغییر ذهن جامعه، تضعیف اعتماد به دولت، و تخریب تدریجی ثبات اجتماعی است؛ جنگی بی‌صدا، اما عمیق.

سرچشمه این تغییر راهبردی را باید در ناکامی‌های متوالی غرب در مواجهه مستقیم با قدرت‌های محوری خاورمیانه جست‌وجو کرد. طی دو دهه گذشته، آمریکا و اسرائیل به‌کرات در میدان نظامی شکست خورده‌اند: از لبنان و غزه تا یمن و عراق؛ و هر بار تصور کرده‌اند که تهاجم سخت، مسئله را به سود آنان حل می‌کند، اما نتیجه به گسترش مقاومت و افزایش نفوذ ایران انجامیده است. اکنون، در محافل امنیتی تل‌آویو و واشنگتن، سخن از «استراتژی نفوذ نرم در بطن جوامع دشمن» به میان آمده است. آنان پذیرفته‌اند که ایران را نمی‌توان با حمله نظامی، بلکه تنها با فرسایش اجتماعی و روانی از درون تضعیف کرد. همین تغییر، پایه طراحی جدیدی شده که مأموریت آن، انتقال نبرد از مرزها به خیابان‌ها، از میدان‌های نبرد به ذهن‌ها، و از سرباز به شهروند است.

بر اساس گزارش‌های موجود، این سناریوی جدید سه محور اصلی دارد: - نخست، نفوذ اطلاعاتی و رسانه‌ای در بستر فضای مجازی که تلاش می‌کند احساس ناآرامی‌دی، بی‌اعتمادی و یأس را در جامعه ایرانی تزریق کند.

- دوم، بهره‌برداری هدفمند از تفاوت‌های قومی، زبانی و فرهنگی در مناطق متنوع کشور با هدف القای جدایی و تضعیف پیوند ملی. - و سوم، تحریک بحران‌های اقتصادی و ایجاد برداشت مصنوعی از تقابل دولت و ملت.

الگوهای رفتاری این طرح به وضوح از پرونده‌های افغانستان دهه ۹۰، عراق پس از اشغال و لبنان پس از انفجار بندر بیروت الگوبرداری شده‌اند. غرب دریافته است که فروپاشی اجتماعی، اگر به شکل تدریجی و کنترل‌شده طراحی شود، می‌تواند کارکردی دقیق‌تر از هر بمب نظامی داشته باشد.

در همین چارچوب، پنتاگون و موساد پروژه‌هایی را با محوریت «داده‌کاوی رفتاری جامعه ایرانی» آغاز کرده‌اند؛ پروژه‌هایی که گاه در پوشش حمایت از آزادی بیان یا تحقیقات علمی مجع می‌شوند، اما مأموریت واقعی آنها شناسایی نقاط آسیب‌پذیر ذهنی جامعه و بهره‌برداری از آن برای مروج‌سازی‌های سیاسی است. در واقع، این مرحله‌ی تازه نه بر اساس قدرت فیزیکی، بلکه بر محور قدرت روانی شکل گرفته است؛ نوعی مهندسی افکار عمومی با هدف تغییر آرام رفتار اجتماعی مردم

### گزارش

طرح نو؛ سردبیر

## «راه آهن چین – ایران؛ بازگشت جاده‌ی ابریشم روی ریل»

طرح نو؛ سردبیر

با افتتاح رسمی خط راه‌آهن بین‌المللی چین – ایران، جهان شاهد شکل‌گیری یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌های ژئواقتصادی دهه اخیر است؛ پروژه‌ای که شهر «شی‌آن» در چین را از طریق آسیای مرکزی به تهران متصل می‌کند و مسیر ۷،۵۰۰ مایلی را در مدت حدود ۱۵ روز طی می‌کند. مسیری که زمانی نیازمند بیش از چهل روز حمل‌ونقل دریایی از سواحل شرق آسیا تا بندر خلیج فارس بود. این طرح، نه‌تنها یک پروژه حمل‌ونقل، بلکه نقشه‌ای تازه از توان قدرت در تجارت جهانی است؛ نقشه‌ای که ایران در قلب آن ایستاده است.

بازگشت شرق از مسیر ریلی

راه‌آهن چین – ایران یکی از مسیرهای کلیدی طرح عظیم «ایتکار کمربند و جاده» (BRI) است؛ طرحی که پکن در یک دهه گذشته برای بازسازی مسیرهای باستانی جاده ابریشم دنبال کرده است. این مسیر تازه از شی‌آن آغاز می‌شود، سپس از قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان عبور کرده و پس از ورود به خاک ایران از سرخس، مشهد، گرمسار و قم به تهران می‌رسد. در فاز بعدی، این خط قرار است از طریق راه‌آهن موجود به بندر امام خمینی و بندرعباس در جنوب متصل شود تا چین بتواند بدون عبور از دریاهای تحت نفوذ ناوگان آمریکا، به سواحل خلیج فارس و حتی مدیترانه دسترسی پیدا کند.

به بیان ساده‌تر، این خط ریلی نه فقط راهی برای جابه‌جایی کالا، بلکه راهی برای بازتعریف قدرت جغرافیایی تجارت جهانی است. اگر تا امروز اقیانوس‌ها، یعنی گذرگاه‌هایی مانند تنگه مالاکا، باب‌المندب و کانال سوئز، ستون فقرات جریان کالا بین شرق و غرب بودند، اکنون خاورمیانه شاهد ظهور شاهراهی زمینی با امنیت پایدار، سرعت بالا و هزینه کمتر است. ایران، محور این دگرگونی است؛ حلقه‌ای که شرق و غرب را به زبانی تازه به هم پیوند می‌زند.

### سیاست – اقتصاد

#### سرمقاله

از نبرد سخت تا آشوب خاموش؛

## سناریوی تازه‌ی امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

ایران. به زبان ساده‌تر، دشمنان ایران می‌کوشند تا پیش از آسیب رساندن به مرزها، مرزهای ذهنی جامعه را تغییر دهند.

اما تاریخ ایران، گواه روشنی دارد که این سرزمین در برابر چنین حملاتی هرگز تسلیم نشده است. از دوران استعمار تا تحریم‌های اقتصادی، ملت ایران همواره راهی برای بازسازی اعتماد و وحدت یافته است. امروز نیز همان سرمایه‌ی اجتماعی، مهم‌ترین خط دفاعی کشور است.

مقابله با جنگ نرم، صرفاً وظیفه‌ی نهادهای امنیتی نیست؛ بلکه یک مسئولیت عمومی است. رسانه‌ها، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و حتی کاربران فضای مجازی همه باید به بخشی از سپر دفاعی جمهوری اسلامی بدل شوند. اصطلاح «امنیت اجتماعی» دیگر مفهومی تزئینی نیست، بلکه ستون فقرات امنیت ملی است؛ و اگر دشمنان ایران می‌کوشند از درون جامعه ضربه بزنند، پاسخ هوشمندانه در تقویت انسجام درونی، افزایش سواد رسانه‌ای، و بازسازی اعتماد عمومی نهفته است.

مراکز مطالعات راهبردی غرب، امروز اذعان دارند که هرگونه تهاجم به ایران، بدون ایجاد بستر اجتماعی در داخل، محکوم به شکست است. همین اعتراف نشان می‌دهد که محور مقاومت نه تنها از نظر نظامی، بلکه از حیث انسجام مردمی، و فرهنگی نیز قدرتمندتر از هر زمان دیگر است. آنان می‌دانند که مردم ایران، با هر گرایش و زبان و فرهنگ، در لحظه‌های حساس تاریخ، به یک ملت واحد تبدیل می‌شوند. و درست هراس دشمن از همین وحدت است که پروژه بی‌ثبات‌سازی قومی و اجتماعی را به اولویت تل‌آویو و واشگتن بدل کرده است.

در برابر این راهبرد خطرناک، زمان آن رسیده است که سیاست‌گذاری داخلی ایران نیز به‌روز شود. نباید تصور کرد که امنیت تنها بر عهده ارتش، سپاه یا دولت است؛ وحدت مردمی، مشارکت فرهنگی و احساس عدالت اجتماعی خود نوعی سنگر ملی‌اند. تقویت پیوند بین دولت و مردم، زمینه را برای خنثی‌سازی هرگونه تلاش دشمن در ایجاد شکاف فراهم می‌کند. همان‌گونه که شکست اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه حاصل هماهنگی دقیق میان افکار عمومی و مقاومت میدانی بود، امروز نیز پیروزی ایران در برابر جنگ نرم، وابسته به هم‌افزایی همه‌ی ساختارهای اجتماعی کشور است.

در نهایت، راهبرد دشمن روشن است: انتقال مرکز فشار از مرزهای نظامی به مرزهای ذهنی. از تهاجم آشکار به عملیات نفوذ. اما تاریخ بارها نشان داده ملتی که حافظه تاریخی و ایمان به خود دارد، هیچ‌گاه قربانی القانات بیرونی نخواهد شد. جمهوری اسلامی ایران امروز، نه با زرادخانه‌های دشمن، که با آزمون‌ی از جنس آگاهی روبه‌روست. آزمون‌ی که اگر با وحدت ملی، هوشمندی رسانه‌ای و ایمان فرهنگی مردم پاسخ داده شود، می‌تواند آخرین سنگر فکری دشمنان ایران را در خاورمیانه فرو بیزد.

جنگ نظامی به پایان رسیده؛ اما نبرد آرام و پنهان ادامه دارد؛ نبردی که پیروزی در آن، نه با تسلیحات، بلکه با درک، اعتماد و هوشیاری ملی رقم خواهد خورد.

طرح نو، سردبیر

سردبیر: در دهه‌های اخیر، آب به‌ویژه در خاورمیانه، از منبع حیات به عامل رقابت تبدیل شده است. اکنون که بسیاری از مناطق منطقه با خشکسالی و فروپاشی زیست‌محیطی روبه‌رو هستند، نگاه‌ها به ترکیه دوخته شده است؛ کشوری که با تکیه بر کنترل سرشاخه‌های دجله و فرات، نقشی بی‌بدیل در آینده آبی خاورمیانه دارد.

نویسنده و تحلیلگر ترکیه‌ای گورکم برک گدی‌کلی در مقاله‌ای که با دیدی استراتژیک نگاشته، آب را نه به عنوان یک منبع طبیعی بلکه به مثابه اهرم ژئوپلیتیک درون معادلات امنیتی منطقه می‌بیند. در ادامه، متن کامل این مقاله منتشر و در پایان تحلیلی بر این قضیه خواهیم داشت.

#### آب به مثابه اهرم ژئوپلیتیک: نقش استراتژیک ترکیه در خاورمیانه

«... به باور من، مسئله آب در خاورمیانه یک موضوع صرفاً زیست‌محیطی نیست، بلکه یک عامل استراتژیک و ژئوپلیتیک تعیین‌کننده است. این بحران مستقیماً بر امنیت، انرژی، کشاورزی و الگوهای مهاجرت در کل منطقه و حتی بر استراتژی بازیگران جهانی مانند اتحادیه اروپا، روسیه و آمریکا تأثیر می‌گذارد.

در این میان، تسلط ترکیه بر سرشاخه‌های رودهای فرات و دجله، به ویژه از طریق پروژه عظیم (GAP)، یک اهرم ژئوپلیتیک بی‌نظیر به آنکارا داده است. این تسلط، ترکیه را به بازیگری کلیدی تبدیل می‌کند که نه تنها بر عراق و سوریه، بلکه بر امنیت کل خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. واقعیت‌های میدانی این تنش را ملموس‌تر می‌کند. گزارش‌ها حاکی از کاهش حدود ۴۰ درصدی جریان آب فرات در سمت سوریه به دلیل سدسازی‌های ترکیه است. همچنین، جنگ داخلی سوریه نشان داد که آب یک ابزار جنگی است؛ چنانکه گروه‌هایی مانند YPG برای کنترل سدها جنگیدند تا از آن به عنوان یک اهرم فشار ژئوپلیتیک استفاده کنند.

در تحلیل من، ترکیه اکنون در برابر یک انتخاب استراتژیک حیاتی قرار دارد و می‌تواند از این

شنبه۲۴ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۴۲

# آب؛ ابزار قدرت در سکوت

## تحلیلی بر نقش ژئوپلیتیکی ترکیه در خاورمیانه

مدیریت منابع آبی به همان میزان که اقتصادی است، نظامی و سیاسی نیز هست؛ و اگر کشورها نتوانند به‌موقع در سیاست‌گذاری آبی خود بازنگری کنند، در معرض آسیب‌های غیرقابل بازگشت قرار خواهند گرفت.

در این میان، نگاه منطقه‌ای به آب نباید ترکیه‌محور باقی بماند. ایران، به عنوان یکی از کشورهای کلیدی خاورمیانه، خود درگیر بحرانی است که می‌توان آن را «امنیتی شدن تدریجی آب» نامید. از خشکیدن دریاچه ارومیه گرفته تا فرونشست زمین در اصفهان و یزد، و بحران آبی در استان‌های شرقی که روابط با افغانستان را به چالش کشیده است، همه نشانه‌هایی از یک خطر ساختاری‌اند. در حالی که در ترکیه، مسئله آب به عنوان قدرت ژئوپلیتیکی شناخته شده است، در ایران هنوز تصمیم‌گیری درباره آب در چنینترجیح‌های مقطعی، وعده‌های محلی و نگاه

سازهمحور (سدسازی بی‌پایه) گرفتار مانده است. اگر سیاست‌گذاران ایرانی آب را همچنان در قالب یک «مسئله بخشی» ببینند نه یک «مأموریت ملی و امنیتی»، کشور دیر یا زود با بحرانی فراگیر روبه‌رو خواهد شد؛ بحرانی که به تعبیر بسیاری از کارشناسان، می‌تواند مهاجرت داخلی، فروپاشی کشاورزی و حتی چالش‌های اجتماعی گسترده‌تری به همراه آورد.

اکنون زمان آن رسیده است که تصمیم‌گیران منطقه، به‌ویژه در تهران، سیاست آبی را بخشی از استراتژی امنیت ملی تلقی کنند. تجربه ترکیه نشان داده است که کنترل و مدیریت منابع آب، در کنار فناوری و دیپلماسی پایدار، می‌تواند کشور را به یک بازیگر تعیین‌کننده در آینده خاورمیانه تبدیل کند. ایران می‌تواند از راه همکاری‌های علمی و محیط‌زیستی با همسایگان و حرکت به سمت «دیپلماسی آب» جایگاه خود را تثبیت کند. آینده منطقه به انتخاب میان دو مسیر بستگی دارد: اول، راه همکاری و هماهنگی در مدیریت منابع؛ دوم، تداوم رقابت و بی‌توجهی که هر کشور را در مسیر خشکسالی و بی‌ثباتی پیش می‌برد. امروز، بیش از هر زمان، آب نه فقط مایه حیات، بلکه معیار بلوغ ژئوپلیتیکی و عقلانیت مدیریت در خاورمیانه است.

#### پیامدهای منطقه‌ای و چالش‌های در پیش‌رو

به نظر کارشناسان امر با عملیاتی شدن این راه‌آهن، موازنه ترانزیتی منطقه به سود ایران تغییر خواهد کرد. کشورهای قفقاز، ترکیه و حتی مسیرهای دریایی دوبی و عمان با یک رقیب جدی روبه‌رو می‌شوند. مسیر زمینی چین – ایران حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد سریع‌تر از مسیر دریایی از بندر شونژن تا جبل‌علی است و کاهش قابل توجهی در هزینه بیمه و خطرات سیاسی دارد. در واقع، شرکت‌های چینی می‌توانند کالاهای با ارزش بالا – مانند قطعات الکترونیکی، لوازم صنعتی، تجهیزات پزشکی و فناوری‌های نو – را از مسیر ایران ارسال کنند، بدون آنکه در معرض تهدید تحریم یا اختلال در آبراه‌های بین‌المللی قرار گیرند.

با این همه، مسیر تازه بدون چالش نیست. از یک سو، بخش‌هایی از شبکه ریلی در آسیای مرکزی هنوز نیازمند نوسازی است؛ از سوی دیگر، ایران باید برای حداکثر بهره‌برداری، زیرساخت‌های لجستیک، گمرکی و مناطق آزاد ریلی خود را ارتقا دهد. برنامه ایجاد «کریدور شرق به غرب» با ایستگاه‌های بارگیری هوشمند در سرخس، گرمسار و قم می‌تواند فضای ترانزیتی کشور را متحول کند. همزمان، هماهنگی با شبکه ریلی ترکیه و جمهوری آذربایجان نیز می‌تواند امکان اتصال ریلی مستقیم تا اروپای مرکزی را فراهم آورد.

#### بُعد راهبردی فراتر از اقتصاد

این پروژه در پس‌انداز بزرگ‌تر، بخشی از رقابت جهانی بر سر جغرافیای زنجیره تأمین است. در فضایی که آمریکا می‌کوشد با سیاست «مهار زنجیره‌های چین» مسیرهای تجاری آسیایی را محدود کند، راه‌آهن چین – ایران به مثابه پل امنی میان شرق و غرب در برابر تحریم‌ها و محاصره‌های دریایی عمل می‌کند. در واقع، این مسیر به چین امکان می‌دهد کالاهای صادراتی خود را بدون عبور از دریای چین جنوبی – منطقه‌ای پرتنش – به غرب برساند، و همزمان به ایران



طرح نو بررسی می‌کند:

# «راه آهن چین – ایران؛ بازگشت جاده‌ی ابریشم روی ریل»

اجازه می‌دهد تا در اقتصاد غیروابسته به نفت، جایگاهی محوری پیدا کند.

تهران اکنون می‌تواند در چارچوب توافق ۲۵ ساله با چین، نقش خود را در کریدورهای شمال – جنوب (به سمت روسیه) و شرق – غرب (به سمت ترکیه) هم‌زمان تقویت کند. این موقعیت چندلایه، ظرفیت آن را دارد که ایران را به محور ژئوپلیتیکی اتصال سه قاره تبدیل سازد؛ جایگاهی که پیش‌تر تنها در حد نظریه‌های راهبردی مکتبدر و اسپایکمن تصور می‌شد، اکنون در قالب پروژه‌ای واقعی روی زمین تحقق یافته است.

#### افق آینده؛ راهی به سوی استقلال حمل‌ونقل آسیایی

راه‌آهن چین – ایران، برخلاف بسیاری از پروژه‌های نمادین، نه نقطه پایان، بلکه آغاز عصری تازه است. اگر فاز دوم آن – اتصال به بندرعباس، چابهار و بندر امام خمینی – طبق برنامه تکمیل شود، ایران برای نخستین بار صاحب سیستم حمل‌ونقل پیوسته از مرزهای شرقی تا آب‌های آزاد جنوبی خواهد شد. چنین ظرفیتی، درچه‌های برای نفوذ اقتصادی کشور به بازارهای شرق آفریقا و جنوب آسیا باز می‌کند و جایگاه ایران را به عنوان محور زمینی «کمربند و جاده» تحکیم خواهد کرد.

در نهایت، راه‌آهن چین – ایران نماد یک تغییر پارادایمی است: بازگشت آسیا به جغرافیای خود. در جهانی که تحریم، تهدید دریایی و جنگ تجاری نظم موجود را به چالش کشیده، ریل‌های جدید میان شی‌آن و تهران نه فقط کالا، بلکه پیام استقلال و همکاری را حمل می‌کنند. ایران در مسیر این ریل‌ها، تنها به عنوان مقصدی جغرافیایی نیست، بلکه به عنوان پل تمدن‌ها و قلب تپنده پیوند شرق و غرب بازتعریف می‌شود. و این بار، جاده ابریشم نه در خاطرات، بلکه در ریل‌های تازه و قطارهای واقعی، دوباره زنده شده است.

گزارش

## مسیر ویژه تراکتور پس از فیفادی؛ در تدارک ۲ جشن بزرگ در ۳ روز!



طرح تو؛ گروه ورزشی سرخپوشان بعد از تعطیلات فیفادی ۲ مسابقه مهم خارج از پیکارهای لیگ برتر دارند که برای شان بسیار حائز اهمیت است. به گزارش فوتبال ۳۶۰، تراکتور در شرایط غیرمنتظره وارد تعطیلات فیفادی شد؛ چرا که سرخپوشان بعد از اوج گیری درخشانی که داشتند و کسب ۲ پیروزی پیاپی ۵ گل مقابل شارجه امارات در لیگ نخچگان و برابر گل گهر در لیگ برتر، روندی متزلزلی در ۳ بازی اخیر داشته اند. توقف لحظه آخری مقابل پرسپولیس و از دست دادن ۲ امتیاز خانگی و سپس برد دشوار مقابل الشرطه در تبریز و در قدم آخر هم پذیرش کامبک مقابل خبیر در خرم آباد و تحمل دومین شکست فصل.

### مواجهه تکراری با پرسپولیس؛ کابوس فصل گذشته جبران می شود؟

سرخپوشان در اولین قدم بعد از تعطیلات فیفادی، سیام آبان ماه در تبریز میزبان پرسپولیس هستند که این مسابقه در جریان مرحله یک شانزدهم نهایی جام حذفی برگزار خواهد شد. تراکتوری ها فصل گذشته در حالی فاتح لیگ برتر شدند که در جام حذفی در همان قدم اول مغلوب گل گهر شدند و از گردونه رقابت ها کنار رفتند و حالا

برای جلوگیری از تکرار سناریوی فصل گذشته، آن ها باید بتوانند مقابل پرسپولیس متحول شده عرض اندام کنند و تیم تحت هدایت اوسمار ویرا را از گردونه رقابت ها کنار بزنند.

### تکمیل بازل صعود تراکتور در فارسی؟

تراکتوری ها در یک فشرده گی ویژه، ۳ روز پس از مواجهه با تراکتور در جام حذفی، باید پنجمین بازی شان در لیگ نخچگان را برگزار کنند و مهمان نسف قارشی، قعر نشین جدول منطقه غرب هستند که تراکتوری ها با تکیه بر عملکرد درخشان شان در ۴ بازی قبلی و کسب ۸ امتیاز، این فرصت را دارند تا با کنار زدن نسف قارشی و کسب پیروزی مقابل این تیم، در یک قدمی صعود از مرحله گروهی لیگ نخچگان قرار گیرند و خیال خود از صعود به مرحله حذفی لیگ نخچگان را آسوده کنند.

### ۳ روز سرنوشت ساز؛ روز باریک بین جهنم و بهشت!

شاگردان دراگان اسکوچیچ با شکست برابر خبیر به تعطیلات فیفادی رفته اند و در ۳ بازی اخیر شان در همه رقابت ها فقط یک برد داشته اند که مشخصا نشان از روند متزلزل شان دارد. با این وجود، ۲ مسابقه با پرسپولیس و نسف قارشی پیش از انجام دیدار هفته یازدهم برابر چادرملو می تواند بسیار حیثیتی برای تراکتوری ها باشد که هواداران سرخپوش بی شک بی صبرانه منتظر از راه رسیدن ۳ روز سرنوشت ساز هستند تا ببینند تیم شان می تواند با ارائه ۲ نمایش موفق، ۲ برد حیثیتی و مهم آماده می شد برای زدن ضربات پنهانی به مرکز زمین برود، به بازیکنان گفتن شما پنهانی هایتان را خوب بزنید چون علی بیرو حداقل دو پنهانی حریف را می گیرد. این اعتمادی است که سرمربی تیم ملی به این گلر بلند قامت لرستانی دارد که در سه چهار هفته اخیر کاملا روی فرم آمده و در مسابقات دشوار تراکتور مقابل الشرطه و خبیر هم تعیین کننده ظاهر شده است.

آمادگی بیرانوند خبری خوب برای تیم ملی و فوتبال ایران است به شرطی که اتفاق خاصی در مسیر او تا جام جهانی در خرداد ماه آینده رخ ندهد. بیرانوند امروز در ضربات پنهانی، چهارمین ضربه حریف که توسط لاروس دوتارته زده شد را با شیرجه به سمت راست مهار کرد. بیرانوند که روحیه گرفته بود، در لحظه شلیک پنهانی پنجم توسط بازیکنان کیپ ورد هم شیرجه بلندی به سمت چپ داشت که توپ بعد از برخورد به دستانش وارد دروازه شد. او با کمی خوش شانسی و در صورت مهارت این پنهالی می توانست نمایش خوشایندتری در تیم ملی داشته باشد اما همان یک مهار هم برای صعود ایران کافی بود. به خصوص که بازیکنان ایران پنهالی های خود را به زیبایی

## بیرانوند - دروازه ایران بسته شد



طرح تو؛ گروه ورزشی فقط چند اشتباه مهلک، مصدومیت یا یک

اتفاق غیرقابل پیش بینی می تواند شماره یک تیم ملی در جام جهانی را به گلر دیگری بدهد. بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران امروز در مسابقه نزدیک مقابل تیم گردن کلفت کیپ ورد با پیروزی در ضربات پنهالی ها به فینال تورنمنت چهارجانبه العین صعود کردند. این مسابقه فرصتی برای تست بازی دفاعی در تیم ملی و همچنین فرصتی برای چند بازیکن بود تا دوباره خودی نشان بدهند.

علیرضا بیرانوند دروازه بان تیم فوتبال تراکتور یکی از این بازیکنان بود. امیر قلعه نویی در نشست مطبوعاتی پس از بازی گفت: وقتی تیم آماده می شد برای زدن ضربات پنهالی به مرکز زمین برود، به بازیکنان گفتن شما پنهانی هایتان را خوب بزنید چون علی بیرو حداقل دو پنهالی حریف را می گیرد. این اعتمادی است که سرمربی تیم ملی به این گلر بلند قامت لرستانی دارد که در سه چهار هفته اخیر کاملا روی فرم آمده و در مسابقات دشوار تراکتور مقابل الشرطه و خبیر هم تعیین کننده ظاهر شده است.

آمادگی بیرانوند خبری خوب برای تیم ملی و فوتبال ایران است به شرطی که اتفاق خاصی در مسیر او تا جام جهانی در خرداد ماه آینده رخ ندهد. بیرانوند امروز در ضربات پنهانی، چهارمین ضربه حریف که توسط لاروس دوتارته زده شد را با شیرجه به سمت راست مهار کرد. بیرانوند که روحیه گرفته بود، در لحظه شلیک پنهانی پنجم توسط بازیکنان کیپ ورد هم شیرجه بلندی به سمت چپ داشت که توپ بعد از برخورد به دستانش وارد دروازه شد. او با کمی خوش شانسی و در صورت مهارت این پنهالی می توانست نمایش خوشایندتری در تیم ملی داشته باشد اما همان یک مهار هم برای صعود ایران کافی بود. به خصوص که بازیکنان ایران پنهالی های خود را به زیبایی

گزارش

## احتمال تعویق بازی پرسپولیس و تراکتور؛ جنگ، دوباره آغاز می شود؟

محمدرضا نوزوی، مالک تراکتور در برنامه اینترنتی عادل فردوسی پور گفت: اگر تیم ملی ایران به فینال تورنمنت العین راه پیدا کند، باید زمان دیدار ما و پرسپولیس عوض شود چرا که قانون ۷۲ ساعت رعایت نمی شود. قانونا بعد از آخرین بازی تیم ملی، تیم های باشگاهی باید ۷۲ ساعت بعد به میدان بروند و از روز سه شنبه تا جمعه این ۷۲ ساعت کامل نمی شود. حالا باتوجه به رسیدن تیم ملی ایران به فینال تورنمنت العین، باشگاه تراکتور قطعاً از سازمان لیگ می خواهد زمان بازی با

محمدرضا نوزوی، مالک تراکتور در برنامه اینترنتی عادل فردوسی پور گفت: اگر تیم ملی ایران به فینال تورنمنت العین راه پیدا کند، باید زمان دیدار ما و پرسپولیس عوض شود چرا که قانون ۷۲ ساعت رعایت نمی شود. قانونا بعد از آخرین بازی تیم ملی، تیم های باشگاهی باید ۷۲ ساعت بعد به میدان بروند و از روز سه شنبه تا جمعه این ۷۲ ساعت کامل نمی شود. حالا باتوجه به رسیدن تیم ملی ایران به فینال تورنمنت العین، باشگاه تراکتور قطعاً از سازمان لیگ می خواهد زمان بازی با

طرح تو؛ گروه ورزشی ممکن است دیدار دو تیم تراکتور و پرسپولیس در جام حذفی فوتبال ایران تعویق شود. تیم ملی ایران در اولین بازی تورنمنت العین موفق به شکست کیپ ورد در ضربات پنهالی شد و حالا منتظر نتیجه بازی مصر و ازبکستان است. ایران روز سه شنبه هفته آینده باید در فینال این رقابت ها برابر مصر یا ازبکستان قرار بگیرد و این اتفاق احتمالاً باعث تعویق دیدار پرسپولیس و تراکتور در جام حذفی می شود.

# آگهی اصلاحیه مناقصه عمومی یک مرحله ای



شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی (سامی خاص)

پیرو آگهی مورخ ۱۳/۰۸/۱۴۰۴ مربوط به مناقصه شماره ۹۳/۱۴۰۴ موضوع واگذاری عملیات اجرایی پروژه نیرورسانی به سایت امامزاده پیر محمد شهرستان هریس، بدینوسیله اعلام می دارد که برآورد اولیه، ضمانت نامه شرکت در مناقصه، فهرست بها و جداول تجزیه بها اصلاح می گردد. شرکت کنندگان می توانند نسبت به دریافت اصلاحیه از سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) اقدام نمایند.

مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ برآورد اولیه اصلاح شده (ریال)	مبلغ ضمانت نامه درج شده در اسناد مناقصه (ریال)	مبلغ ضمانت نامه اصلاح شده (ریال)
۱۰۵,۳۳۳,۶۴۶,۷۴۵	۹۸,۰۱۱,۹۸۴,۰۹۷	۶,۰۱۱,۰۰۰,۰۰۰	۵,۷۹۱,۰۰۰,۰۰۰

شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان شرقی

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۴۶۸۸۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ م الف: ۱-

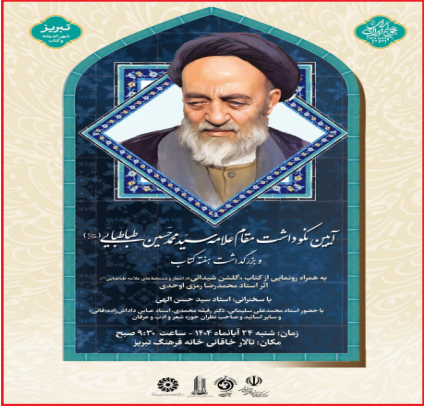
شعر

در لوح و قلم شاهد آثار کتاب است



در لوح و قلم شاهد آثار کتاب است سر منزل و مقصود گهربار کتاب است تاریخ اگر ثبت شده در صف ایام تصویر رخس در خور گفتار کتاب است رب ازلی نور جلی بر قلم آموخت بنویس که این دفتر پر بار کتاب است در عرش قلم قامت خود تا که بیاراست بر سجده سر آورد که دلدار کتاب است هر نکته که بر چهره آثار نشسته در سینه لوح همدم و معیار کتاب است اعجاز حقیقت بطریقت دو رقم زد اول به قلم بعد به رخسار کتاب است در حرکت هر ذره چه در عرش و چه در فرش منقوش سخن سینه پر کار کتاب است هر نکته بداند و هر آن نغمه براند در عالم هستی سر و سردار کتاب است هر کس بشناسد سخن خالق سبحان آن نور که نازل شده بسیار کتاب است خالق نسناخت دیده آدم مگر آن دم کو جانب دل شد که جهان دار کتاب است ای دانش عالم همه در سینه تو ضبط دانند همگان شهید گهربار کتاب است هر دیده بینا دل روشن چو ترا دید فهمید که سرچشمه اسرار کتاب است هر کس به تو آویخت دل و دیده و جان را آراست قدش این همه انوار کتاب است از دانش روی تو فروزان دل انسان مسکین به غنا می‌رسد تا یار کتاب است

# آغاز هفته کتاب با آیین نکوداشت علامه طباطبایی (ره) در تبریز



جایگاه علم و فرهنگ در طول هفته در مراکز فرهنگی و هنری استان ادامه خواهد داشت.

سخنران اصلی این برنامه استاد سید حسن الهی است و جمعی از اساتید، شاعران و پژوهشگران برجسته از جمله استاد محمدعلی سلیمانی، دکتر رفیقه محمدی و استاد عباس داداش‌زاده (فانی) در آن حضور خواهند داشت. برنامه‌های هفته کتاب با هدف ترویج فرهنگ مطالعه، معرفی آثار فاخر مکتوب و پاسداشت

خواهد شد، با محوریت گرامی‌داشت مقام علمی و معنوی علامه طباطبایی و تبیین جایگاه معرفتی او در حوزه اندیشه و ادبیات عرفانی برپا می‌شود. در این آیین، از کتاب «گلشن شیدائی» شامل مجموعه اشعار و دستخط‌های علامه طباطبایی، به قلم استاد محمدرضا رمزی اوحدی نیز رونمایی خواهد شد.

طرح نو: گروه فرهنگ و ادب به‌مناسبت هفته کتاب و کتاب‌خوانی، برنامه‌های فرهنگی و ادبی این هفته در آذربایجان‌شرقی با برگزاری آیین نکوداشت مقام علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره) در تبریز آغاز می‌شود. این مراسم که امروز شنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۴ ساعت ۹:۳۰ صبح در تالار خاقانی خانه فرهنگ تبریز برگزار

## کتابخانه‌های عمومی فرصتی برای آشتی دوباره با کتاب

۶۰ درصد کتابخانه‌ها بالای ۳۵ سال بوده و نیاز به مقاوم‌سازی، بازسازی و بازطراحی دارند تا بتوان از آنها برای ارائه خدمات جدید بهره‌برداری کرد.

وی افزود: در ۲ سال گذشته بهسازی ۱۶ کتابخانه استان به اتمام رسید و ۱۴ مورد باقیمانده نیز در دست اقدام است. همچنین در این مدت ۵ کتابخانه جدید افتتاح شده و آمار کتابخانه‌های نهادی استان را به ۱۱۸ عدد رسانده‌ایم.

بابایی در پایان از برگزاری ۹۶۵ برنامه برای هفته کتاب در کتابخانه‌های سراسر خبر داد و گفت: بعد از کتابخانه‌ی تربیت که قدیمی‌ترین کتابخانه دولتی ایران است، کتابخانه شیخ شهاب‌الدین اهری نیز جزو قدیمی‌ترین کتابخانه‌هایی است که امسال ۱۰۰ سالگی خود را به پایان رسانده است و در هفته کتاب در شهرستان اهر جشن صد سالگی آن برگزار خواهد شد.

تالار علم و خلاقیت نوجوانان، بخش ویژه نایبانیان، مرکز آفرینش‌های هنری، بخش کودک «هدد سفید» و بخش ویژه ناشنوایان بخشی از امکانات موجود در این مجموعه است که با فراهم کردن بستر مناسب برای افراد و اقشار مختلف و اعضای خانواده آنها را به آشتی با کتاب رهنمود می‌کنند. / ستوبیل محدث

مختلف حوزه‌ی کتاب از امانت، خوانش، تولید پادکست و غیره را مدیریت می‌کند و هر سال در روزی تحت عنوان، روز کتابیار از برترین آثار تولید شده‌اند آموزش‌آموزان تجلیل به عمل می‌آید.

وی افزود: در حال حاضر ۱۵ هزار عضو سالمند داریم که در قالب طرح جهان‌دیدگان و با دعوت از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد سالمندی، سازمان بهزیستی و سازمان امور بازنشستگان به جمع ما ملحق شده‌اند و از امکانات و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی استفاده می‌کنند.

مدیرکل کتابخانه‌های استان به بهره‌مندی از طرح‌های کتابخانه‌های سیار جهت حصول به عدالت آموزشی تاکید کرد و گفت: با توجه به اینکه احداث کتابخانه در برخی مناطق، به ویژه روستاهایی با جمعیت کمتر از ۲۵۰۰ نفر امکان‌پذیر نیست، برای جبران این مشکل اقدام به تجهیز کتابخانه‌های سیار کردیم که به طور هفتگی به روستاها مراجعه کرده و با امانت کتاب و اجرای برنامه‌های قصه‌گویی، کلاس نقاشی و سرود و غیره برای این عزیزان محتوای فرهنگی فراهم می‌کنند.

وی در شرح انجام پروژه‌های بهسازی کتابخانه‌های عمومی استان گفت: یکی از مشکلات اصلی کتابخانه‌های استان این است که عمر بناهای



وی در توضیح طرح‌های مذکور گفت: در طرح کودک کتابخوان ما از طریق مراکز بهداشت و مدارس دعوت‌نامه‌هایی برای کودکان ۶ سال به بالا توزیع کرده و بچه‌هایی که برای دریافت واکسن یادآوری ۶ سالگی به این مراکز مراجعه می‌کنند را برای حضور کتابخانه و استفاده از برنامه‌های فرهنگی موجود دعوت کردیم که طرح موفقیت آمیزی بود.

بابایی به وجود بیش از دو هزار کودک مبلغ کتابخوانی در استان اشاره کرد و افزود: طرح کتابیار من مخصوص دانش‌آموزان است و طی آن از هر شیفت یک دانش آموز به عنوان رابط بین ما و مدرسه انتخاب می‌شود و فعالیت‌های

طرح نو: گروه فرهنگ و ادب روزگاری اگر کتاب، یار مهربان آدم‌ها تلقی می‌شد اما امروز به آشنای دوری تبدیل شده که دنیای پر زرق و برق محتوای تصویری و گرافیکی فضای مجازی بیش از پیش عرصه را بر او تنگ کرده و دیگر مصاحبت صورانه با کتاب از سکه افتاده است. این قصه، نقل دیروز و امروز نیست و سال‌هاست مقایسه سرانه مطالعه ایرانیان با مردم سایر کشورها محل مناقشه است.

به بهانه روز کتاب و کتاب‌خوانی که ۲۴ آبان ماه را به خود اختصاص داده، نه به دنبال ارقام جدید این آمار، بلکه برای بررسی وضعیت زیرساخت‌هایی که زمینه مطالعه را برای علاقمندان مهیا می‌کند به سراغ کتابخانه مرکزی تبریز و اسد بابایی، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان رفتیم تا از فعالیت‌های این سازمان جویا شویم.

بابایی با اشاره به تغییر تعاریف جهانی از کتابخانه‌های عمومی گفت: در حال حاضر کتابخانه‌های عمومی درحال تبدیل شدن از سالن‌های مطالعه و امانت کتاب به پایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. در همین راستا ۴ طرح کودک کتابخوان، کتابیار من، خانواده کتابخوان و طرح جهان‌دیدگان یا دنیا گورموشر راه‌اندازی کردیم.

### یادداشتی به بهانه روز کتاب، دوستی وفادار، آرام و صبور؛

## کتاب؛ دریچه‌ای به سوی بی‌نهایت

آنها معلمان بزرگی هستند که در دل خود درسی بزرگ برای زندگی دارند. هر کتاب به ما یاد می‌دهد که چگونه به دنیا نگاه کنیم، چگونه با چالش‌ها روبه‌رو شویم، و چگونه خود را در میانه پیچیدگی‌های زندگی بیابیم. شخصیت‌ها و داستان‌ها نه تنها سرگرمی می‌آفرینند، بلکه در مواجهه با آنها، ما به درک عمیق‌تری از خود و دیگران می‌رسیم...

کتاب‌ها نه تنها دنیای جدیدی را به ما نشان می‌دهند، بلکه دلیلی برای اندیشیدن و دیدگاه‌های مختلف به زندگی می‌دهند. هر کتاب، یک معلم است، و هر داستان، درسی برای یادگیری. در روز کتاب، به یاد می‌آوریم که این درهای بی‌پایان را باز کنیم و از آنها برای رشد روحی و ذهنی خود استفاده کنیم. کتاب، دریچه‌ای به سوی بی‌نهایت است؛ جایی که کلمات، روح را به پرواز درمی‌آورند. کتابخوانی، سفری عاشقانه به قلب حقیقت و خیال است. هر صفحه، جهانی نو می‌سازد و ما را از روزمرگی رها می‌کند. در روز کتاب، ما به قدرتی از این معلمان خاموش پرداخته و از آنها برای یادگیری و رشد فردی بهره می‌بریم. کتاب‌ها دنیای جدیدی برای ما می‌سازند، دنیایی که در آن می‌توانیم هر لحظه و هر تجربه‌ای را در دل خود جای دهیم. این روز فرصتی است برای لحظه‌ای تأمل به این نکته که کتاب بخوانیم تا عمیق‌تر ببینیم، زیباتر ببیندیشیم و جاودانه زندگی کنیم.

داستانی که در آن احساسات، تضادها و تغییرات اجتماعی به شکلی عمیق و انسانی روایت می‌شود. در «صد سال تنهایی» از گابریل گارسیا مارکز، نه تنها با روایت خانواده بوئنودیا مواجه می‌شویم، بلکه در دنیای جادویی و واقع‌گرایانه نویسنده غرق می‌شویم. این کتاب، با شخصیت‌هایی که در زمان و مکان‌های متفاوت سفر می‌کنند، ما را به دنیای بی‌پایانی از احساسات انسانی، عاشقانه‌ها، فاجعه‌ها و در نهایت تنهایی‌ها می‌برد.

شخصیت‌هایی همچون هری پاتر، که در دنیای جادویی خود از لحظات دشوار عبور می‌کند و در مواجهه با چالش‌های بزرگ‌تر، همواره به معنای واقعی دوست‌داشتن، فداکاری و وفاداری پایبند می‌ماند. این داستان نه تنها دنیای جادویی خود را برای ما باز می‌کند، بلکه از طریق شخصیت‌هایش به ما نشان می‌دهد که حتی در تاریک‌ترین زمان‌ها، امید و محبت می‌تواند مسیر روشن‌تری را پیش پای ما قرار دهد.

و در «کافکا در ساحل» اثر هاروکی موراکامی، با شخصیت‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در دنیای بی‌معنای به ظاهر ساده خود، به جست‌وجوی هویت و حقیقت‌های نهفته در دل واقعیت‌های عجیب و پیچیده می‌پردازند. موراکامی در این کتاب از مرزهای زمان و مکان عبور می‌کند و ما را با خود در دنیای ناشناخته‌ای می‌برد که هیچ چیزش قابل پیش‌بینی نیست. و... کتاب‌ها فقط داستان‌هایی نیستند که می‌خوانیم؛



وجود دارد. دنیای کلمات، دنیای خیال و واقعیات عمیق. در این روز خاص، لحظه‌ای به آنچه که کتاب‌ها به ما بخشیده‌اند فکر می‌کنیم؛ درسی که هر صفحه به ما می‌آموزد، لحظه‌هایی که با شخصیت‌ها زندگی کرده‌ایم و درگیری‌هایی که در آنها غرق شده‌ایم. در «غرور و تعصب» جین آستن، ایلزابت و داریسی را می‌بینیم که بر سر تفاوت‌های طبقاتی و تصورات غلط، در دل یکدیگر دگرگونی‌هایی را رقم می‌زنند.

طرح نو: رفیقہ جمالی در میان مباحث روزگار، جایی که زمان بی‌صبرانه می‌تازد، کتاب چون دوستی وفادار، آرام و صبور، در گوشه‌های منظر است.

کتاب، دریچه‌ای به سوی بی‌کرانه‌هاست؛ جهانی که در آن کلمات، بال‌های خیال می‌شوند و روح را به پرواز درمی‌آورند. کتابخوانی، نه صرفاً عملی برای گذران وقت، بلکه سفری عاشقانه به قلب حقیقت، زیبایی و انسانیت است.

هر صفحه از کتاب، مانند تکه‌ای از پازل هستی، ما را به خود نزدیک‌تر می‌کند. کلمات، چون نغمه‌های یک سمفونی، گاهی آرام و گاهی پرشور، داستان‌هایی از عشق، رنج، امید و آرزو را روایت می‌کنند. کتاب، آینه‌ای است که چهره‌ی واقعی ما را نشان می‌دهد؛ گاه با لبخند و گاه با اشکی که بی‌صدا می‌گذرد. در هر خط، جهانی نهفته است که منتظر کشف شدن است.

کتابخوانی، عاشقانه‌ای بی‌پایان است. وقتی انگشتانمان صفحات را لمس می‌کنند، گویی با روح نویسنده‌ای که شاید قرن‌ها پیش زیسته، دست می‌دهیم. کتاب، پلی است میان گذشته و آینده، میان من و تو، میان قلب‌ها و ذهن‌ها. در سکوت شب، وقتی همه‌چیز خاموش است، نور کم‌سوی چراغ مطالعه و عطر کاغذ، ما را به دنیایی می‌برد که در آن هیچ مرزی وجود ندارد. کتاب‌ها دروازه‌هایی به دنیای ناشناخته‌ها هستند؛ دنیایی که

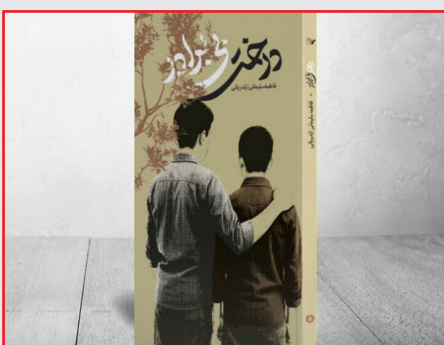
## روایت نوجوانان فداکار دهه ۶۰ در «درخت بی‌برادر»

ارائه می‌دهد.

**در بخشی از کتاب «درخت بی‌برادر» می‌خوانیم:** بعضی‌ها شبا دزدکی پوتین بقیه رو واکس می‌زنن، سهراب شبا بلند می‌شد نماز شب بخونه همه پوتینا رو گره می‌زد به هم. عوضش یه‌بار بچه‌ها براش جشن پتو گرفتن حسابی از خجالتش درآوردن. یه پتو انداختن رو سرش تا می‌خورد زدنش. دل همه خنک شد. ولی باز هم آدم نشد. یه‌رو نشسته بودی یخ می‌نداخت تو یقه لباس. اون شب هم من همشه می‌ترسیدم سهراب دوباره یه بلائی سرم بیاره. از کارش تکون نخوردم که هوس چیزی به سرش نزنه.

است. نویسنده در روایت خود، صبر، فداکاری، جسارت و رقابت میان جوانان را به شکلی ملموس نشان داده است و خواننده را با احوالات پیچیده نوجوانانی مواجه می‌کند که برای آرمان‌هایشان تلاش می‌کنند.

کتاب «درخت بی‌برادر» علاوه بر بعد تاریخی، دارای جنبه‌های عاطفی و انسانی نیز هست. ارتباط میان شخصیت‌ها، تعهد آنها به خانواده، وفاداری به دوستان و اهمیت ارزش‌های اخلاقی و ملی، از جمله محورهای اصلی داستان محسوب می‌شوند. روایت صمیمی و در عین حال مستندانه کتاب، مخاطب را به درون زندگی نوجوانان آن دوره می‌برد و تصویری زنده و واقعی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و احساسی نوجوانان جنگ‌زده



از نکات قابل توجه این اثر، پرداخت دقیق به فضای دهه شصت، دغدغه‌ها و آرزوهای نوجوانان و در عین حال نمایش واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی آن دوران

کنند، برخی دیگر به دلیل شرایط مختلف موفق به حضور در میدان جنگ نشدند و برخی نیز مسیر فداکاری را به نهایت رساندند.

این رمان محوریت خود را بر دو شخصیت اصلی قرار داده است. دو رفیق که گرچه نسبت خونی دارند اما برادر نیستند و با هم در یک خانه زندگی می‌کنند. روایت کتاب تلاش دارد تا همزمان با تصویرسازی زندگی روزمره این نوجوانان، جنبه‌های مبارزه، رقابت و انتظار را نیز به نمایش بگذارد. نویسنده تلاش کرده تا زندگی خانواده‌ای ایرانی را بازسازی کند که اعضای بزرگ‌تر آن هر یک به نحوی با جبهه و جهاد ارتباط دارند و نوجوانان خانواده در پی آن‌اند که از این جریان مهم عقب نمانند.

طرح نو: گروه فرهنگ و ادب کتاب «درخت بی‌برادر» به قلم فاطمه سلیمانی از ندریانی توسط انتشارات ۲۷ بعثت منتشر شد.

این اثر ادبی به بررسی زندگی نوجوانان و جوانان دهه شصت می‌پردازد که در مسیر آرمان‌ها و اعتقادات خود در برابر چالش‌ها و تهدیدهای آن دوران ایستادگی کردند و برخی از آنها جان خود را فدای میهن کردند. «درخت بی‌برادر» داستان کوچک مردانی را روایت می‌کند که با وجود سن پایین، جثه کوچک یا مخالفت خانواده‌ها، تصمیم داشتند در دفاع از کشور و ارزش‌های انسانی شرکت کنند. برخی از این نوجوانان با پشتکار و تلاش، موفق شدند از سد محدودیت‌های سنی عبور

## کتاب با طرح «کاروان هم‌خوان» به دل محله‌های تبریز می‌رود



شرقی و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تبریز، در مناطق کم برخوردار تبریز برگزار می‌شود. کاروان‌های هم‌خوان با بهره‌گیری از ظرفیت کتابداران و هنرمندان به اجرای برنامه‌هایی همچون قصه‌گویی، مسابقات کتاب‌خوانی، اجرای گروه سرود، جمع‌خوانی و معرفی کتاب می‌پردازند. این فعالیت‌ها با هدف جذب کودکان و نوجوانان و خانواده‌ها به فضای کتاب و کتابخانه طراحی شده است.

گفتنی است؛ طرح «کاروان هم‌خوان» از ۲۴ تا ۳۰ آبان‌ماه در نقاط مختلف تبریز به حرکت خواهد درآمد و و زمینه‌ساز ایجاد شور و نشاط فرهنگی در محله و کوچه‌های شهر خواهند بود.

مهر

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر با اجرای طرح «کاروان هم‌خوان» همزمان با سی‌وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، کتاب به دل محله‌های تبریز می‌رود. با اجرای طرح «کاروان هم‌خوان» همزمان با سی‌وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، کتاب به دل محله‌های تبریز می‌رود. همزمان با سی و سومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و با هدف ترویج فرهنگ مطالعه، گسترش عدالت فرهنگی و دسترسی آسان‌تر شهروندان به خدمات کتابخانه‌ای، طرح «کاروان هم‌خوان» در قالب کتابخانه‌های سیار با همکاری اداره کل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان



شهرداری اهر

### آگهی مزایده عمومی شهرداری اهر

مرحله دوم (نوبت دوم)

شهرداری اهر در نظر دارد نسبت به فروش لاستیک فرسوده خودروهای سبک و سنگین به تعداد ۱۵۴ حلقه به متقاضیان واجد شرایط اقدام نماید. شرکت کنندگان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده و ارائه پیشنهاد قیمت به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه و قیمت پیشنهادی خود را تا ساعت ۱۴:۳۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ در سامانه ستاد ثبت نمایند. توجه: کلیه مراحل مزایده برابر ضوابط در سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) انجام گردد.

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۳۹۴۸۷ م الف: ۱-  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳  
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

### شهردار اهر - خانی

آهنگساز ایرانی نامزد جایزه گرمی ۲۰۲۶:

## نامزد شدنم کار خدا بود!



کار، کار خدا بود! چراکه اگر به فهرست رقبا نگاه کنید، همگی از چهره‌های برجسته موسیقی آفریقا و جهان هستند؛ از جمله داویدو و دیگر هنرمندان بین‌المللی. کنسرت‌های آن‌ها معمولاً با حضور ده‌ها هزار تماشاگر برگزار می‌شود. بنابراین برای ما که از ایران آمده‌ایم و در این سطح از رقابت قرار گرفته‌ایم، همین نامزدی نیز افتخاری بزرگ است.

**- به نظر شما چه ویژگی‌هایی در این اثر باعث توجه داوران شد؟**

به باور من، یکی از دلایل توجه داوران به این اثر، پیام انسانی و مثبت آن بود. هم من و هم ادی، هر دو

**- شما پیش‌تر نیز با هنرمندان آفریقایی همکاری داشته‌اید و برای بسیاری جالب است که یک آهنگساز ایرانی وارد فضای موسیقی آفریقایی شده است. چه عاملی باعث شد به این سمت بروید؟ این مسیر از کجا آغاز شد و چه چیزی شما را به این فضا جذب کرد؟**

این پرسش را بارها با من مطرح کرده‌اند، حتی در بخش نظرات سایت‌های مختلف. برای خودم هم جالب است که مردم کنجکاوند بدانند، چگونه از ایران به آفریقا رسیدم!

من همیشه به شاگردانم می‌گویم که موسیقی هیچ مرزی ندارد. از دیدگاه من، موسیقی زبانی جهانی است. موسیقی برای خود مرز جغرافیایی قائل نیست. من نیز از ابتدا با همین نگاه به آن پرداختم و هیچ‌گاه خود را محدود به سبک یا منطقه خاصی نکردم.

به‌عنوان یک آهنگساز، موسیقی را بدون مرزبندی می‌بینم. در آثارم می‌توان نمونه‌هایی از موسیقی کلاسیک، موسیقی قومی و جهانی و حتی آفریقایی یافت. برای من، مهم‌تر از سبک، احساسی است که از موسیقی دریافت می‌کنم. وقتی وارد فضای موسیقی آفریقایی شدم، در واقع چیز تازه‌ای کشف نکردم؛ بلکه علاقه‌ای قدیمی را ادامه دادم. از سال‌ها پیش به این نوع صداها گوش می‌دادم و شیفته ریتم و انرژی آن‌ها بودم. برای ادی کنزو چند نمونه‌کار (دمو) ارسال کردم و ایده‌هایم را با او در میان گذاشتم، همان روشی که معمولاً میان موزیسین‌ها برای آغاز همکاری وجود دارد. به‌تدریج به نقطه مشترکی رسیدیم و از همان‌جا همکاری ما شکل گرفت.

**- این موفقیت را در مسیر کاری‌تان چگونه تعریف می‌کنید؟ نامزدی در جایزه گرمی چه تأثیری بر آینده حرفه‌ای شما می‌تواند داشته باشد؟**

واقعاً این نامزدی را یک مرحله بسیار مهم و تأثیرگذار در مسیر کاری خود می‌دانم. اطمینان دارم که در آینده نقش چشم‌گیری خواهد داشت؛ زیرا زمانی که یک هنرمند در سطح جهانی، آن هم در جایگاهی چون

این سبک خوب است یا آن بد است، صرفاً چون یک آهنگساز یا نظریه‌پرداز چنین گفته است. موسیقی موجودی زنده است و مرز نمی‌شناسد.

به‌گمانم این یکی از اساسی‌ترین نکاتی است که باید در ذهن هنرمندان تقویت شود؛ اینکه در موسیقی نباید مرز کشید، بلکه باید آن را همچون زبانی برای ارتباط و درک جهانی نگریست.

**- در بخش دیگری از صحبت خود اشاره کردید که همواره تلاش می‌کنید ردپایی از موسیقی ایرانی در آثارتان وجود داشته باشد، حتی زمانی که وارد فضاهای بین‌المللی می‌شوید. این تعادل میان موسیقی ایرانی و جهانی را چگونه برقرار می‌کنید؟**

راستش من از سنین پایین فعالیت موسیقایی خود را آغاز کردم و مسیر کاری‌ام از همان ابتدا در فضای بین‌المللی شکل گرفت. بعدها که با موسیقی ایرانی بیشتر آشنا شدم، دستگاه‌ها و گوشه‌ها را شناختم و وارد آن فضا شدم. به‌تدریج این شناخت در من نهادینه شد. من موسیقی غربی خوانده‌ام، اما در تمام این سال‌ها، موسیقی ایرانی نیز همواره در کنارم بوده است. در آهنگسازی همیشه سعی کرده‌ام میان این دو فضا تعادل ایجاد کنم. برخی از آثارم از نظر ساختار و هارمونی کاملاً غربی هستند، اما در آن‌ها همواره المان‌هایی از موسیقی ایرانی حضور دارد.

در سال‌های اخیر به‌ویژه تلاش کرده‌ام صدای سازهایی مانند نی را در آثارم وارد کنم، زیرا برایم بسیار الهام‌بخش و خاص است. بسیاری شاید ندانند که ترکیب صدای نی با هارمونی غربی تا چه اندازه می‌تواند زیبا و اثرگذار باشد؛ آن ترکیب صدایی واقعاً فرازمینی خلق می‌کند.

ایران از نظر تنوع سازها و رنگ‌های صوتی، سرزمینی فوق‌العاده غنی است. به باور من، تلفیق این رنگ‌ها و صداهای بومی با ساختارهای مدرن جهانی، یکی از زیباترین و الهام‌بخش‌ترین تجربه‌ها در موسیقی امروز است.

کاملاً درست است. ما در عرصه بین‌المللی به اندازه ظرفیت‌های موجود فعالیت نکرده‌ایم، اما این ظرفیت‌ها واقعاً بسیار گسترده‌اند. اگر بخواهم به‌صورت کلی بگویم، موسیقی ایران در هر سبک و شاخه‌ای پتانسیل جهانی شدن دارد، به‌ویژه موسیقی دستگاهی و اصیل ایرانی. فقط نیاز است که بیشتر روی آن کار شود و شناخت نسبت به آن در جهان افزایش یابد.

واقعیت این است که در این زمینه کم‌کاری کرده‌ایم، اما در عین حال هنرمندانی بوده‌اند که مسیر را برای ما باز کرده‌اند. استاد شجریان یا آقای کلهر از جمله چهره‌هایی هستند که پیش از ما فعالیت کردند و توانستند شاخه‌ای از موسیقی ایرانی را به جهانیان معرفی کنند. به‌نظر من بسیار مهم است که ما، به‌عنوان ایرانی، بتوانیم موسیقی خود را حفظ کنیم. من همواره تلاش کرده‌ام در آثارم ردپایی از این فضا وجود داشته باشد. البته با رواج موسیقی پاپ، بخشی از موسیقی سنتی ما کم‌کم به حاشیه رفته است. منظورم این نیست که موسیقی پاپ ارزشمند نیست، من خودم هم موسیقی پاپ گوش می‌دهم، حتی آثار پاپ انگلیسی، اما باور دارم که باید توجه بیشتری به موسیقی اصیل‌مان داشته باشیم تا فراموش نشود.

جالب است که بسیاری از دوستان خارجی من، موسیقی اصیل ایرانی را بیش از آثار مدرن یا غربی من دوست دارند. این نکته نشان می‌دهد که مردم دنیا نسبت به اصالت و رنگ صوتی ایرانی علاقه‌مندند. بنابراین، باید در این بخش بیشتر سرمایه‌گذاری کرد.

فکر می‌کنم در کنار رشد موسیقی پاپ و تلفیقی، لازم است بخش سنتی و اصیل نیز بیشتر دیده شود. در سال‌های اخیر، به‌جز چند مورد خاص، تقریباً هیچ هنرمند ایرانی در سطح جهانی مطرح یا نامزد جوایز بین‌المللی نشده است. تمرکز اصلی باید بر موسیقی جدی‌تر و اصیل‌تر باشد، در کنار سبک‌های دیگر که البته جایگاه و مخاطبان خود را دارند.

**- به‌طور کلی، همکاری با هنرمندان خارجی و فعالیت بین‌المللی چه تأثیری بر روند آهنگسازی و نگاه کاری شما داشته است؟**

فکر می‌کنم از حدود سال ۲۰۱۳ بود که نخستین آثار الکترونیک خود را منتشر کردم. در آن زمان، موسیقی الکترونیک در ایران جشن رواج نداشت، اما اکنون خوشبختانه رشد چشمگیری کرده است. از آن‌جا که آن موقع امکانات محدود بود، طبیعی بود که برای یادگیری و گسترش تجربه‌ها به همکاری با هنرمندان خارجی روی بیاوریم.

بسیاری از این همکاری‌ها برای من مانند یک دانشگاه واقعی بودند. با موزیسین‌های خارجی دوست شدم و ارتباطم فراتر از همکاری حرفه‌ای رفت؛ واقعاً مانند برادر بودیم. از آن‌ها آموختم و آن‌ها نیز بسیار به من کمک کردند. گاهی نمونه‌صداها یا تکنیک‌هایی از آن‌ها می‌گرفتم که مستقیماً در آثارم به کار می‌بردم. هنوز هم رد این تأثیرها در موسیقی من دیده می‌شود. این تجربه‌ها برایم بسیار ارزشمند و مثبت بوده‌اند؛ زیرا باعث شدند گوشم بازتر شود، زبان جهانی موسیقی را بهتر درک کنم و بیاموزم چگونه می‌توان میان فرهنگ‌ها پلی برقرار کرد.

**- برنامه‌های آینده‌تان چیست؟ آیا قصد دارید باز هم پروژه‌های بین‌المللی انجام دهید؟ ممکن است کمی درباره کارهای بعدی‌تان توضیح دهید؟**

واقعیت این است که در این مدت فشار کاری بسیار زیاد بوده است. باور کنید گاهی واقعاً خسته‌کننده می‌شود؛ از خرید فرکانس گرفته تا تنظیمات استودیو، همه‌چیز انرژی زیادی می‌گیرد. به همین دلیل تصمیم دارم مدتی کوتاه استراحت کنم تا دوباره با انرژی بیشتری بازگردم.

البته چند پروژه از گذشته دارم که هنوز به پایان نرسیده‌اند. برخی از آن‌ها چند سال است که در دست کارند و امیدوارم سال آینده منتشرشان کنیم. تعدادی از این پروژه‌ها مربوط به همکاری با دوستان و هنرمندان در ایران است که همچنان در حال کار روی جزئیات آن‌ها هستیم.

**- نکته‌ای هست که بخواهید اضافه کنید؟**

به‌عنوان کسی که در تلاش است موسیقی ایران را به دیگران نشان دهد، امیدوارم همه ما، چه هنرمند و چه مخاطب، کمی بیشتر به موسیقی و هنر اهمیت بدهیم. به‌راستی لازم است موسیقی را جدی‌تر بگیریم. در ایران استعداد‌های فوق‌العاده‌ای وجود دارد، فقط باید به آن‌ها فرصت دیده شدن داده شود. اگر جامعه ما به هنر و موسیقی توجه بیشتری داشته باشد، مطمئن باشید در همه زمینه‌ها پیشرفت خواهیم کرد.

من همیشه گفته‌ام همان‌طور که ملت‌ها با ورزش و فوتبال قوی می‌شوند، با فرهنگ و هنر نیز رشد می‌کنند. اینکه یک هنرمند ایرانی به جایزه گرمی رسیده، خودش اتفاقی مثبت و امیدبخش است. شاید بسیاری ندانند، اما همین مسئله در معرفی فرهنگ و هنر ایران به جهان نقشی بسیار مؤثر و ارزشمند دارد. ایستنا

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر مهران متین، آهنگساز ایرانی نامزد جایزه گرمی ۲۰۲۶، موسیقی را زبانی بی‌مرز می‌داند و می‌گوید در آثارش همواره ردپایی از موسیقی ایرانی را حفظ کرده است. او معتقد است ترکیب صداهای ایرانی با هارمونی‌های جهانی می‌تواند پلی میان فرهنگ‌ها بسازد. همچنین نامزدی در گرمی را در معرفی هنر ایران در جهان مؤثر می‌داند.

در حالی که طی سال‌های گذشته تنها تعداد معدودی از هنرمندان ایرانی موفق به حضور در مهم‌ترین رویداد موسیقی جهان، جایزه «گرمی» شده‌اند، امسال نام مهران متین، آهنگساز ایرانی، در فهرست نامزدهای بخش «بهترین موسیقی در سبک آفریقایی» برای قطعه «امید و محبت» به چشم می‌خورد؛ اثری که با همکاری ادی کنزو، هنرمند اوگاندایی تبار، ساخته شده است.

پیش از او، شروین حاجی‌پور در سال ۲۰۲۳ با ترانه «برای...» جایزه «بهترین آهنگ برای تغییر اجتماعی» را از آن خود کرد و کیهان کلهر نیز به‌عنوان عضو گروه «سیلک رود انسمبل» در سال ۲۰۱۷ برنده گرمی شد. افزون بر این، چند هنرمند ایرانی تبار دیگر مانند ایلیا سلمان‌زاده نیز در سال‌های اخیر در فهرست نامزدهای این جایزه قرار گرفته‌اند.

حالا حضور مهران متین در میان نامزدهای گرمی ۲۰۲۶، نه‌تنها موفقیتی شخصی، بلکه نشانه‌ای از گسترش حضور موسیقیدانان ایرانی در صحنه‌های بین‌المللی است؛ موضوعی که بهانه گفت‌وگوی ما با اوست.

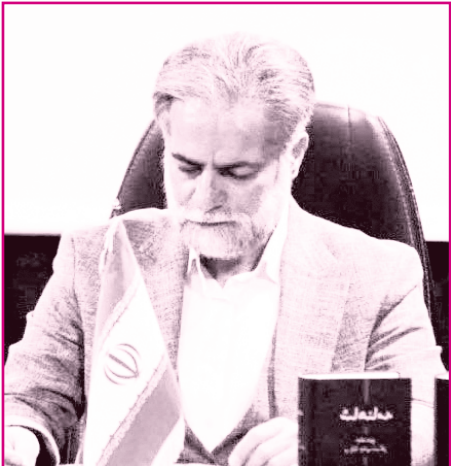
**- ایده خلق قطعه «امید و محبت» از کجا شکل گرفت و روند ساخت آن چگونه پیش رفت؟**

ماجرا از آن‌جا آغاز شد که این ایده مدتی در ذهنم وجود داشت. قصد داشتم قطعه‌ای بسازم که حامل پیامی مثبت باشد؛ حسی از امید و محبت. برای صفحه این اثر نیز در پی آن بودیم که فضایی روشن، انسانی و الهام‌بخش خلق کنیم.

همکاری با ادی کنزو نیز به‌واسطه یکی از لیل‌هایی که با آن‌ها همکاری دارم، شکل گرفت. من طی سال‌های اخیر با چند کمپانی مطرح بین‌المللی در آمریکا، لهستان، فرانسه و بلژیک همکاری داشته‌ام. از طریق یکی از همین لیل‌ها با ادی آشنا شدم و ارتباط برقرار کردیم. ادی از هنرمندان اوگاندایی تبار و از چهره‌های شاخص موسیقی آفریقا است که سبک ویژه و منحصر‌به‌فرد خود را دارد و من از پیش آثارش را دنبال می‌کردم و بسیار می‌پسندیدم.

من همواره تلاش کرده‌ام در آثارم ترکیب موسیقی ایرانی با فضاهای غربی یا بین‌المللی را حفظ کنم. برای نمونه، در آلبوم پیشینم نیز کوشیدم سازبندی موسیقی ایران را تا حد ممکن نگه دارم و آن را با ساختارهای مدرن تلفیق کنم. در چند سال اخیر همواره این رویکرد را دنبال کرده‌ام تا موسیقی غنی ایران را به گوش جهان برسانم. ادی نیز با این ایده بسیار همراه شد. زمانی که پیشنهاد همکاری را مطرح کردم، با استقبال او روبه‌رو شدم و از آن نقطه کار به‌صورت جدی شکل گرفت. هدف ما ساخت قطعه‌ای بود که حامل پیامی انسانی و مثبت باشد؛ به‌ویژه برای کودکان آفریقا و همین‌طور کودکان کار در ایران. نام قطعه نیز از همین رو «امید و محبت» انتخاب شد. تلاش داشتیم تا حس امید و مهربانی در هر دو فرهنگ به‌صورت مشترک دیده و درک شود.

خوشبختانه بازخوردها بسیار مثبت بود و حالا اینکه اثر در فهرست نامزدهای جایزه گرمی قرار گرفته، برای من رخدادی ویژه و ارزشمند است. خودم همیشه این



طرح نو، جمشیدپوراسمعیل نیازی.

بخش اول ....

دوره زندیه (۱۱۶۰–۱۱۷۳ ه‍.ش / ۱۷۴۷–۱۷۹۴ م) مقطع مهمی در تاریخ ایران پس از مرگ نادرشاه (۱۱۲۶ ه‍.ق / ۱۷۴۷ م) است؛ زمانی که کشور وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی، رقابت‌های شدید میان سرداران و خان‌های ایلی، و ضعف نسبی دولت مرکزی شد. فقدان جانشین قدرتمند برای نادرشاه باعث شد کنترل دولت در ایلات از دست برود و مناطق مهمی مانند خراسان، آذربایجان و عراق‌عجم به صورت عملی مستقل عمل کنند. در این شرایط، اهمیت مسیره‌ای ارتباطی شمال‌غرب ایران بیش از پیش آشکار شد، زیرا این مسیرها هم شاهراه‌های تجاری و اقتصادی و هم خطوط دفاعی و شبکه‌های لجستیکی حکومت مرکزی به شمار می‌رفتند.

کریدور شمال‌غرب ایران، که فلات مرکزی کشور را به قفقاز و امپراتوری عثمانی متصل می‌کرد، نقش چندگانه‌ای داشت. مسیرهای اصلی این کریدور، به ویژه تبریز – قفقلس و تبریز – ارزروم، امکان صادرات ابریشم، فرش، ادویه و سایر کالا‌های با ارزش را فراهم می‌آوردند و هم‌زمان کانال‌های برای روابط دیپلماتیک و کنترل ایالت‌های مرزی بودند. گلوگاه‌های استراتژیک، شامل تبریز، مراغه، خوی، جلفا و نخجوان، نقاطی بودند که حفظ امنیت و جریان تجارت به مدیریت آن‌ها وابسته بود.

در این میان، تبریز جایگاه محوری داشت. این شهر نه تنها قطب اقتصادی شمال‌غرب بود، بلکه پایگاه نظامی و لجستیکی کلیدی حکومت زندیه نیز محسوب می‌شد. بازارهای تخصصی تبریز، شامل بازار فرش، بازار ابریشم، بازار ادویه و بازار فلزات، با شبکه گسترده‌ای از بازرگانان و کاروانسراها، امکان جریان مستمر تجارت داخلی و خارجی را فراهم می‌کردند. بازار تبریز، با حفظ شبکه‌های تجاری با قفقاز و عثمانی، حتی در شرایط بی‌ثباتی سیاسی، ستون فقرات اقتصادی شمال‌غرب باقی ماند و منابع مالی حیاتی برای حکومت زندیه فراهم کرد.

نقش نظامی و امنیتی کریدور نیز به همان اندازه اهمیت داشت. کریم‌خان زند با اعزام سرداران وفادار و استقرار نیروهای خود در تبریز، ارومیه و جلفا، تلاش کرد امنیت مسیرهای شمال‌غرب را حفظ کند و از نفوذ عثمانی و روسیه تزاری جلوگیری نماید. این سیاست‌ها، علاوه بر حفظ امنیت از مسیرهای تجاری، زمینه تثبیت اقتدار مرکزی و کاهش خطر شورش خان‌ها و فرمانداران محلی را نیز فراهم می‌آورد.

با وجود تلاش‌های مذکور، محدودیت منابع نظامی و تمرکز سیاسی حکومت بر شیراز باعث شد که امنیت کامل و دائمی در شمال‌غرب برقرار نشود. مسیرهای تجاری و کریدورها غالباً تنها به صورت مقطعی و تحت شرایط خاص فعال بودند و هرگونه بحران سیاسی یا شورش محلی، جریان تجارت و درآمد‌های گمرکی را مختل می‌کرد.

این واقعیت نشان می‌دهد که اقتصاد و امنیت در کریدور شمال‌غرب رابطه‌ای داینامیک و هم‌نایزند داشتند: رونق تجارت بدون امنیت مسیرها غیرممکن بود و توان نظامی محدود نیز بدون درآمد‌های اقتصادی قادر به حفظ امنیت دائمی نبود. علاوه بر این، جغرافیای مسیرها و گره‌های استراتژیک مانند بازار تبریز، مراغه، خوی، جلفا و نخجوان، نقش کلیدی در پایداری کریدور ایفا می‌کرد.

این گره‌ها نه تنها مراکز مبادله کالا بودند، بلکه نقاط کنترل نظامی و امنیتی نیز به شمار می‌رفتند و هر گونه اختلال در آن‌ها می‌توانست باعث رکود مسیرها شود. مسیر تبریز – قفقلس، مسیر اتصال به قفقاز، و مسیر تبریز – ارزروم، مسیر ارتباط با عثمانی و دریای سیاه، نمونه‌هایی از اهمیت حیاتی این شبکه بودند که هم اقتصاد و هم امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دادند.

مطالعه این دوره نشان می‌دهد که حتی در شرایط تمرکز سیاسی کمتر و منابع محدود، مسیرهای راهبردی شمال‌غرب و مراکز اقتصادی کلیدی مانند تبریز توانستند جایگاه خود را حفظ کنند و به ابزار تثبیت اقتدار سیاسی، کنترل مرزها و تداوم مبادلات اقتصادی تبدیل شوند. کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه نمونه‌ای روشن از تعامل پیچیده و هم‌زمان میان سیاست، اقتصاد و امنیت است که فراتر از یک مسیر جغرافیایی ساده، ستون فقرات ارتباطات داخلی و خارجی ایران را تشکیل می‌داد.

در نهایت، این تحلیل نشان می‌دهد که مسیرهای شمال‌غرب، بازارهای کلیدی و گره‌های استراتژیک، حتی در دوره‌های کم‌تمرکز سیاسی، توانایی حفظ پایداری نسبی خود را دارند. مدیریت هوشمندانه حکومت مرکزی، استفاده از نیروهای وفادار محلی و ساختارهای اقتصادی موجود، عواملی بودند که امکان استمرار این کریدور را فراهم کردند و اهمیت تاریخی آن را به عنوان شاهراه اقتصادی، نظامی، و سیاسی شمال‌غرب ایران تثبیت نمود.

#### چار چوب نظری و مفهومی

تحلیل کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه تنها با مرور رخداد‌های سیاسی یا بررسی تحركات محلی حاصل نمی‌شود؛

## گزارش

## نگاهی به تاریخچه کریدور ایران در شمال غرب کشور؛

# موقعیت آذربایجان در ساختار سیاسی زندیه

نقشهٔ ایران در دورهٔ زندیه، که کریدور شمال غرب را به وضوح نشان می‌دهد.

ایران تا حد زیادی به پایداری مسیرهای آن بستگی داشت. منابعی چون بامداد، شمیم و فلور نیز بر اهمیت بی‌وقفه تبریز و مسیرهای پیرامونی آن پس از فروپاشی دولت افشاری تأکید دارند؛ شهری که با وجود آشفتگی سیاسی، همچنان نقش دروازه‌ای اقتصادی و ارتباطی میان ایران و شمال‌غرب را ایفا می‌کرد، و مسیرهایی چون تبریز – قفقلس و تبریز – ارزروم در آن نقطه تلاقی می‌یافتند.

در این میان، نقش کریم‌خان زند تعیین‌کننده بود. او اگرچه مرکز نقل سیاسی و حکومتی را به شیراز منتقل کرد و توجه حکومت را به سمت جنوب و خلیج فارس سوق داد، اما از اهمیت کریدور شمال‌غرب غافل نبود. دولت زندی با وجود تمرکز جغرافیایی بر جنوب، آگاه بود که تجارت منطقه‌ای بدون امنیت آذربایجان و ارتباطات با عثمانی و قفقاز نمی‌تواند رونق گیرد. به همین دلیل، گزارش‌های مربوط به سیاست‌های او نشان می‌دهد که امنیت مسیرها و ثبات مرزهای شمال‌غرب دست‌کم در حد توان مالی و اداری دولت زند پیگیری می‌شد. این سیاست دوگانه – تمرکز سیاسی در جنوب و مدیریت سیاسی–اقتصادی مسیرهای شمال‌غرب – معادله‌ای پیچیده را پدید آورد که سرنوشته تجارت و امنیت مناطق مرزی را تعیین می‌کرد.

از سوی دیگر، تهدیدات خارجی رو به افزایش بود. عثمانی در غرب و روسیه در شمال، هر دو به دنبال گسترش نفوذ در سرزمین‌های مرزی ایران بودند و شرایط ناپسندان داخلی کشور، زمینه را برای مداخله‌های اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی آنان فراهم می‌کرد. از همین رو، کریدور شمال‌غرب نه فقط گذرگاهی تجاری، بلکه نخستین خط دفاعی ایران در برابر این قدرتهای منطقه‌ای محسوب می‌شد. حفظ مسیر تبریز – قفقاز و کارکرد ایالت‌های آذربایجان و ارومیه، برای جلوگیری از پیشروی دشمنان ضروری بود و منابع دوره زندیه نیز بارها به این نقش دفاعی اشاره کرده‌اند.

با این همه، تمرکز حکومت در شیراز به معنای کاهش نظارت مستقیم بر شمال‌غرب بود. انتقال پایتخت به مرکز جنوبی کشور موجب شد که مسیرهای شمال‌غرب – برخلاف دوره صفویه و حتی افشاریه – دیگر در مرکز توجه سیاسی و نظامی نباشند. در چنین شرایطی، خان‌ها و سرداران محلی در آذربایجان، ارسباران و نواحی پیرامونی نقش پررنگ‌تری در اداره امور یافتند. این افزایش قدرت محلی از یک‌سو انعطاف‌پذیری و توان واکنش سریع منطقه‌ای را بالا می‌برد، و از سوی دیگر موجب کاهش انسجام اداری و محدود شدن منابع مالی و نظامی اختصاص یافته به این نواحی می‌شد. در نتیجه، گاهی شکاف‌هایی در امنیت مسیرها ایجاد می‌شد؛ شکاف‌هایی که بیشتر ریشه در رقابت‌های محلی، کمبود نیروی نظامی دولت یا حرکت‌های کوتاه‌مدت قبایل داشت.

با وجود این کاستی‌ها، دولت زندیه تلاش کرد با گماردن فرمانداران وفادار و کنترل مناطق حساس، نه تنها از نظر سیاسی حلقهٔ اقل کنترل را بر مسیرهای شمال‌غرب برقرار نگه دارد. این تلاش‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت، زیرا ناامنی – حتی اگر مقطعی و کوتاه‌مدت بود – می‌توانست به سرعت و به طور مستقیم بر جریان تجارت و شبکه اقتصادی منطقه اثر بگذارد. همان‌گونه که پژوهشگران بزرگی مانند فلور و مستوفی یادآور شده‌اند، حتی کوچک‌ترین آشوب یا ناآرامی در نزدیکی تبریز، یا بی‌ثباتی در مسیرهای منتهی به قفقاز، می‌توانست هزینه‌های بازرگانی را افزایش دهد و کاروان‌های تجاری را مجبور به انتخاب مسیرهای طولانی‌تر و پرخطر کند. این مسائل، علاوه بر افزایش ریسک اقتصادی، توانایی مسیرهای تجاری برای حفظ رونق و جریان مستمر کالاها را به شدت محدود می‌ساخت. بنابراین، حفظ امنیت نسبی و کنترل مناطق حساس، نه تنها از نظر سیاسی و نظامی، بلکه از نظر اقتصادی نیز ضروری بود و نشان می‌داد که ثبات مسیرهای شمال‌غرب ایران ارتباطی مستقیم با امنیت و قدرت حکومت زندیه داشت.

تجارت در شمال‌غرب در دوره زندیه نمونه‌ای برجسته از تعامل دائمی اقتصاد و امنیت بود. هرگونه بهبود در امنیت مسیرها، فوراً به افزایش فعالیت‌های تجاری و تقویت جایگاه تبریز می‌انجامید، و در مقابل، هر تنش سیاسی یا نظامی به افزایش هزینه‌های حمل و نقل، کاهش اعتماد تجار، و اختلال در زنجیره تدارک کالا منجر می‌شد. کریم‌خان زند – در حد توان دولتش – در پی آن بود که این رابطه مثبت میان امنیت و اقتصاد را حفظ کند: او تلاش کرد ثبات داخلی را تقویت کند تا جریان تجارت با عثمانی و قفقاز از پیامدهای بحران‌های سیاسی در امان بماند.

بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که مسئله اصلی در دوره زندیه یافتن تعادل میان تمرکز قدرت در جنوب و نیازهای حیاتی شمال‌غرب بود. هرچند توجه سیاسی و اداری حکومت بیشتر به شیراز و خلیج فارس معطوف شد، اما اهمیت راهبردی مسیرهای آذربایجان از میان نرفت. این کریدور همچنان یکی از ستون‌های اصلی تجارت، میان‌الملسی و دفاع ایران بود. در واقع، اگرچه وزن سیاسی شمال‌غرب نسبت به دوره‌های پیشین کاهش یافت، اما ساختار پیچیده و چندلایه‌ای که از تعامل قدرت مرکزی، نهادهای محلی، و نیازهای اقتصادی شکل گرفته بود، موجب شد این مسیرها نقش اساسی خود را ادامه دهند و به‌عنوان شریان حیاتی ارتباطی میان ایران با همسایگان غربی و شمالی حفظ شوند.

#### پیش‌زمینه تاریخی:

#### ایران پس از نادرشاه و آغاز دوره زندیه

با مرگ نادرشاه در سال ۱۷۴۷ میلادی (۱۱۶۰ ه‍.ق)، ایران وارد دوره‌ای از آشفتگی و بحران سیاسی شد که ریشه در ساختار اقتدار فردی حکومت نادر داشت. دستگاه حکومتی ایران در دوران نادرشاه به شدت به توانایی و اقتدار شخصی او وابسته بود و فقدان جانشینی قدرتمند، خلأ قدرتی گسترده ایجاد کرد. در نتیجه، کنترل دولت مرکزی بر ایالات و مناطق کلیدی کشور به شدت کاهش یافت و بسیاری از نواحی مهم، از جمله گنجه، قفقلس، مشهد، مرو و هرات، عملاً استقلال عملی یافته و در برابر تلاش‌ها برای بازگرداندن اقتدار مرکز مقاومت کردند. این وضعیت با رقابت

شدید میان خان‌ها و سرداران محلی تشدید می‌شد و ایران را وارد دوره‌ای طولانی از بی‌ثباتی سیاسی و نظامی کرد که تهدیدهای داخلی و خارجی را به‌طور هم‌زمان افزایش می‌داد. در چنین شرایط بحرانی، کریم‌خان زند با تمرکز بر سرکوب شورش‌ها و تثبیت امنیت نسبی در مناطق مرکزی، تلاش کرد تا وحدت نسبی کشور را بازسازی کند. وسعت بحران و پراکندگی تهدیدها به او اجازه نمی‌داد که به امور فرهنگی یا توسعه اقتصادی جامعه توجه کافی داشته باشد، اما اقداماتش در ایجاد امنیت نسبی و بازگرداندن اقتدار مرکزی در نقاط کلیدی، زمینه را برای بازسازی مسیرهای حیاتی تجاری و نظامی، به‌ویژه کریدور شمال‌غرب ایران فراهم ساخت.

در این دوره، اهمیت مسیرهای شمال‌غرب تنها به دلیل کارکرد اقتصادی آنها نبود؛ بلکه این کریدورها نقش راهبردی در حفظ ارتباط با مناطق شمالی و غربی ایران و تأمین امنیت مرزها ایفا می‌کردند. تبریز، به‌عنوان دروازه‌ای به قفقاز و عثمانی، مرکز تجارت و نقطه اتصال مسیرهای مهم تبریز – قفقلس و تبریز – ارزروم بود و علی‌رغم بی‌ثباتی‌های سیاسی، توانست جایگاه خود را به عنوان شهر تجاری کلیدی و نقطه نقل ارتباطات منطقه‌ای حفظ کند.

با انتقال مقر سیاسی کشور به شیراز، تمرکز حکومت زندیه به جنوب معطوف شد و مسیرهای شمال‌غرب کمتر مورد توجه مستقیم دولت قرار گرفت. با این حال، اهمیت راهبردی این کریدورها به‌طور کامل از بین نرفت. مسیرهای شمال‌غرب همچنان برای تأمین امنیت تجاری، ارتباطات نظامی و مبادلات دیپلماتیک با امپراتوری عثمانی و مناطق قفقاز ضروری بودند و برای کنترل ایالت‌های مرزی مانند آذربایجان و ارومیه و حفظ ارتباط با بازرگانان خارجی نقش حیاتی داشتند.

یکی از پیامدهای مهم انتقال پایتخت، کاهش نظارت مستقیم بر شمال‌غرب و افزایش نقش خان‌ها و سرداران محلی در اداره امور بود. این تغییر ساختاری ضمن محدود کردن منابع مالی و نظامی اختصاص یافته به مسیرهای شمالی، گاهی تهدیدات امنیتی کوتاه‌مدت برای تجارت ایجاد می‌کرد. با این حال، دولت زندیه با گماشتن فرمانداران وفادار و حفظ پایگاه‌های نظامی در شهرهای کلیدی تلاش می‌کرد تا ثبات نسبی و کنترل بر کریدور شمال‌غرب را حفظ کند. این تعادل میان تمرکز قدرت در جنوب و ضرورت حفظ امنیت و رونق اقتصادی شمال‌غرب، محور اصلی سیاست‌های کریم‌خان در این دوره بود و زمینه را برای ادامه فعالیت‌های تجاری و پایداری نسبی مسیرهای استراتژیک فراهم ساخت.

#### رقابت‌ها داخلی، تقسیم قدرت و ظهور کریم‌خان زند: زمینه‌ساز پایداری کریدور شمال غرب

پس از فروپاشی ساختار سیاسی جامع افشاری و مرگ نادرشاه، ایران وارد دوره‌ای شد که بر بخش از کشور تحت سلطه بازیگران محلی قرار گرفت و قدرت مرکزی عملاً در اغلب مناطق متوقف شد. نیروهای نظامی و خان‌ها در نواحی مختلف، از خراسان گرفته تا آذربایجان و عراق‌عجم، وارد رقابتی شدید و گاه خونین برای تصاحب حکومت و تثبیت نفوذ خود شدند. ادعاهای متعدد برای تصاحب سلطنت، توسط چهره‌های همچون علیقلی خان (عادل‌شاه) و ابراهیم‌خان مطرح شد، اما این افراد نتوانستند سلطه پایدار خود را در کشور برقرار کنند و وضعیت کشور را بیشتر در شرایط بی‌ثباتی نگاه داشتند.

در چنین فضای آشفتنه‌ای، برخی گروه‌ها و قبایل محلی توانستند از خلأ قدرت بهره‌برداری کنند و موقعیت خود را تثبیت نمایند. از میان این بازیگران، کریم‌خان زند با تکیه بر توان نظامی و شبکه‌های وفاداری محلی، به تدریج پایه‌های حکومت زندیه را پی‌ریزی کرد. او با شناسایی نقاط ضعف رقبای خود، تمرکز خود را بر تثبیت قدرت مرکزی نسبی قرار داد و موفق شد نفوذ خان‌ها و سرداران محلی را به نحوی مدیریت کند که علاوه بر بازسازی نسبی اقتدار دولت، امکان نظارت حداقلی بر مسیرهای استراتژیک شمال‌غرب، از جمله تبریز و مسیرهای مرتبط با قفقاز و عثمانی فراهم شود.

این رقابت‌ها، هرچند در کوتاه‌مدت موجب آشفتگی و ناامنی گسترده شد، در بلندمدت زمینه را برای تثبیت نسبی قدرت کریم‌خان و شکل‌گیری ساختار سیاسی – نظامی قابل کنترل فراهم آورد. قدرت و نفوذ او باعث شد که خان‌ها و سرداران محلی، هرچند همچنان در عرصه سیاسی فعال بودند، مجبور شوند بخشی از اقتدار خود را با دولت زندیه تقسیم کنند. این تقسیم قدرت، به عنوان یک راهبردی انعطاف‌پذیر، امکان مدیریت مناطق شمال‌غرب و حفظ مسیرهای حیاتی ارتباطی را فراهم ساخت و از فروپاشی کامل شبکه‌های تجاری و نظامی جلوگیری کرد.

به این ترتیب، ظهور کریم‌خان و تثبیت نسبی حکومت زندیه نه تنها سبب پایان رقابت‌های ویرانگر داخلی شد، بلکه یک چارچوب نسبی از ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای ایجاد کرد که در ادامه، پایداری کریدور شمال‌غرب و جریان تجارت با قفقاز و عثمانی را ممکن ساخت. این ستاورد نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که تمرکز قدرت محدود است و دولت مرکزی منابع کافی ندارد، هوشمندی سیاسی، شبکه‌های وفاداری محلی و مدیریت رقابت‌های داخلی می‌توانند به بازسازی نسبی امنیت و اقتصاد کمک کنند و مسیرهای استراتژیک کشور را در برهه‌ای حساس حفظ نمایند.

#### موقعیت آذربایجان در ساختار سیاسی زندیه و اهمیت کریدور شمال غرب

استان آذربایجان، به دلیل موقعیت راهبردی خود در شمال‌غرب ایران و همجواری با امپراتوری عثمانی و نواحی قفقاز، از دیرباز نقش حیاتی در سیاست و امنیت کشور داشته است. در دوره زندیه، این اهمیت دو چندان شد، زیرا هرگونه بی‌ثباتی در این استان می‌توانست نه تنها مسیرهای تجاری شمال‌غرب را مختل

شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۴۲

## ۶

کشور، او به اهمیت استراتژیک آذربایجان آگاه بود و می‌دانست

که کنترل نسبی این استان، کلید پایداری مسیرهای حیاتی شمال‌غرب است. برای مدیریت این منطقه حساس، کریم‌خان اقدام به اعزام نمایندگان و فرمانداران وفادار به شهرهای مهم آذربایجان، به ویژه تبریز و ارومیه، کرد. این فرمانداران نه تنها به عنوان نمایندگان حکومت مرکزی عمل می‌کردند، بلکه به تثبیت ثبات داخلی و مدیریت شبکه‌های محلی کمک می‌کردند و در عین حال، راه را برای کنترل مسیرهای ارتباطی با قفقاز و عثمانی هموار می‌ساختند.

سیاست کریم‌خان در بهره‌گیری از قدرت محلی و شبکه‌های وفاداری در آذربایجان، نمونه‌ای روشن از رویکرد انعطاف‌پذیر حکومت زندیه بود. او با این راهبرد توانست از منابع محدود حکومت مرکزی، بیشترین بهره را ببرد و ضمن حفظ اقتدار نسبی، خطر شورش‌های محلی و نفوذ دشمنان خارجی را کاهش دهد. به این ترتیب، آذربایجان به عنوان یک نقطه کلیدی در شبکه امنیتی و اقتصادی شمال‌غرب باقی ماند و مسیرهای تجاری و نظامی میان ایران و قفقاز تحت نظارت نسبی حکومت مرکزی قرار گرفت.

اهمیت این استان تنها محدود به مسائل امنیتی نبود؛ تبریز و شهرهای پیرامونی آن نقش حیاتی در جریان تجارت منطقه‌ای ایفا می‌کردند و رونق اقتصادی این منطقه، مستقیماً با توانایی دولت زندیه در تثبیت قدرت محلی و مدیریت مسیرهای ارتباطی مرتبط بود. به عبارت دیگر، موفقیت کریم‌خان در آذربایجان، نمونه‌ای از تعامل مستقیم قدرت، امنیت و اقتصاد بود: هرچقدر قدرت مرکزی قادر به مدیریت استان و حفظ فرمانداران وفادار بود، مسیرهای شمال‌غرب امن‌تر و جریان تجارت پایدارتر می‌شد.

در مجموع، آذربایجان در دوره زندیه به یک نقطه کلونئی ژئواستراتژیک و اقتصادی تبدیل شد؛ استانی که هم حفظ امنیت داخلی و ثبات مسیرهای تجاری و نظامی را ممکن ساخت و هم بستری برای اجرای سیاست‌های هوشمندانه کریم‌خان در استفاده از قدرت ثلانی و بازسازی نسبی اقتدار دولت فراهم آورد. این واقعیت نشان می‌دهد که حتی در دورانی که تمرکز حکومت بیشتر به جنوب معطوف بود، مسیرهای شمال‌غرب و استان آذربایجان به عنوان ستون‌های حیاتی ثبات سیاسی و اقتصادی ایران باقی ماندند و به شکل مؤثری در استراتژی حکومت زندیه جای گرفتند.

#### کار کرد اقتصادی کریدور شمال غرب در دوره زندیه

کریدور شمال‌غرب ایران در دوره زندیه، بیش از یک مسیر جغرافیایی صرف بود؛ این کریدور به عنوان یک شریان حیاتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی، تجارت داخلی و خارجی، و جریان کالا و خدمات ایفا می‌کرد. اهمیت این مسیر، هم از منظر اقتصاد محلی و منطقه‌ای و هم از نظر درآمد و اقتدار حکومت مرکزی برجسته بود، چرا که امنیت و مدیریت صحیح از آن می‌توانست به پایداری سیاسی و توسعه اقتصادی کشور کمک کند.

شهرهایی مانند تبریز و ارومیه، به عنوان مراکز مهم در مسیر شمال‌غرب، نقش دروازه‌ای به سوی قفقاز و امپراتوری عثمانی داشتند. این مسیرها امکان صادرات و واردات کالاهای گران‌بها، از جمله فرش، ابریشم، ادویه، فلزات و دیگر محصولات حیاتی را فراهم می‌کردند و به این ترتیب، شمال‌غرب ایران به یک پل ارتباطی اقتصادی بین ایران و بازارهای خارجی تبدیل شد. کالاهای تولیدی استان‌های مرکزی ایران، از طریق این کریدور به بازارهای شمال‌غرب و سپس به قفقاز و عثمانی منتقل می‌شدند و برعکس، واردات کالاهای خارجی جریان اقتصادی و بازرگانی داخلی را غنی می‌کرد.

رونق مسیرهای تجاری، فرصت‌های اشتغال متعددی برای بازرگانان، حمل‌ونقل کنندگان، کارگران و صنایع وابسته ایجاد می‌کرد و اقتصاد محلی را فعال نگه می‌داشت. به عنوان مثال، بازارهای تبریز نه تنها محل تبادل کالاهای داخلی و خارجی بود، بلکه باعث شد شبکه‌ای از خدمات مرتبط با حمل‌ونقل، انبارداری و تجارت شکل بگیرد و به ثبات نسبی اقتصادی منطقه کمک نماید.

کنترل این مسیرها برای حکومت زندیه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. جمع‌آوری مالیات و عوارض گمرکی از کالاهای عبوری، منبع مهم درآمد دولت را تأمین می‌کرد و به ثبوت توان مالی حکومت در مدیریت امنیت و ثبات مناطق شمال‌غرب کمک می‌کرد. این امر نشان می‌دهد که کریدورهای اقتصادی، علاوه بر ایجاد رونق تجارت، نقش مستقیمی در توانمندسازی حکومت و حمایت از سیاست‌های امنیتی و توسعه‌ای ایفا می‌کردند.

همچنین، اهمیت اقتصادی کریدور شمال‌غرب، به ثبات اجتماعی و سیاسی منطقه نیز پیوند داشت. با افزایش تعاملات تجاری، شهرها و مناطق مرتبط به مسیرها برای حفظ رونق و درآمد خود نیازمند امنیت بودند. بنابراین، رونق اقتصادی مسیر، به صورت غیرمستقیم، فشار بر حکومت برای حفظ نظم و جلوگیری از شورش‌ها یا نفوذ بیگانگان ایجاد می‌کرد. به عبارت دیگر، اقتصاد و امنیت مسیرها در هم تنیده بودند و موفقیت تجارت، به ثبات منطقه‌ای و پایداری سیاسی کمک می‌کرد.

در مجموع، کارکرد اقتصادی کریدور شمال‌غرب در دوره زندیه را می‌توان در چند محور کلیدی خلاصه کرد: رونق تجارت داخلی و خارجی، پیوند بازارها، ایجاد اشتغال و تقویت اقتصاد محلی، افزایش درآمد و قدرت مالی حکومت، و پشتیبانی از ثبات اجتماعی و سیاسی منطقه. این مسیر، به وضوح نشان می‌دهد که کریدور شمال‌غرب نه تنها یک مسیر ارتباطی، بلکه ستون مهمی در ساختار اقتصادی و سیاسی ایران زندیه به شمار می‌رفت و حفظ آن یکی از اولویت‌های راهبردی کریم‌خان زند بود.

**ادامه دارد…**

به بهانه هفته کتاب؛

## یار مهربان در چنبره فضای مجازی؛ کتابی که دیگر ورق نمی خورد

طرح نو؛ گروه گزارش فضای مجازی گوی سبقت را از یار مهربان گرفته و آن را کنار زده و روح و روان و ذهن مخاطبان کتاب را تسخیر کرده است دیگر خبری از کتاب و کتابخوانی نیست و تلفن همراه و فضای مجازی فرمانروای ذهنها شده اند.

روزگاری نه چندان دور، مطالعه کتاب بخشی جدایی ناپذیر از زندگی روزمره مردم بود، عادت دلنشینی که با بوی کاغذ و صدای ورق زدن معنا پیدا می کرد. اما این روزها کمتر کسی را می توان یافت که وقتی از روز خود را صرف مطالعه کند. بیشتر افراد ترجیح می دهند ساعت های طولانی در فضای مجازی پرسه بزنند و سبک زندگی شان را بر اساس محتوای رنگارنگ و اغلب بی پایه آن تنظیم کنند.

از موضوعات سیاسی و اجتماعی گرفته تا علمی و فرهنگی، هرچه بخواهی در فضای مجازی پیدا می شود. گاهی چنان بحث ها و تحلیل هایی در تاکسی و اتوبوس یا جمع های خانوادگی شنیده می شود که گویی همه به یکباره تبدیل به تحلیل گر سیاسی یا کارشناس تاریخ و جامعه شناسی شده اند. با این تفاوت که بسیاری از این دانسته ها نه ریشه در تحقیق و مطالعه دارند و نه سندی از صحت آن ها وجود دارد. کاربران، بی هیچ درنگی مطالبی را که می خوانند باور کرده و همان را با اشتیاق برای دیگران بازگو می کنند.

جوانان امروز و حتی نسل دیزور، ساعت ها در شبکه های اجتماعی غرق اند. سرگرم محتوای ضد و نقیضی که به آن ها حس نادانی می دهد، بی آنکه فرصتی برای اندیشیدن یا مطالعه واقعی باقی بماند. گویی باور کرده اند که فضای مجازی تمام ندانسته هایشان را پاسخ می دهد و همین کافی است تا خود را باسواد و مطلع بدانند.

کمتر کسی به یاد دارد آخرین بار کی قلم به دست گرفته، نامه ای نوشته یا حتی برای نوشتن چند سطر زیبا، به سراغ کتاب رفته است. روزگاری مطالعه و نوشتن هنر بود، اما اکنون کتاب در گوشه های خاک می خورد و جای آن را پست ها و مطالب زودگذر مجازی گرفته اند.

حتی در خانواده ها نیز کتاب جایی ندارد. پدر و مادرها یا خود غرق در تلفن همراه اند یا درگیر مشغله هایی که کتاب در آن جایی ندارد. کودک امروز نه تصویری از پدر در حال مطالعه می بیند و نه مادری که کتابی به دست گرفته باشد. کتابخانه های کوچک خانگی جای خود را به تبلت ها و گوشی ها داده اند و نسل تازه، به جای ورق زدن کتاب، صفحات مجازی را بالا و پایین می کند. به بیانی ساده تر، جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری



از کتاب فاصله گرفته است؛ فاصله ای که اگر پر نشود، فرهنگ مطالعه و تفکر آرام آرام در میان انبوه محتوای زودگذر و سطحی فضای مجازی رنگ خواهد باخت. بیگانه بودن با کتاب، جامعه ای بی سواد خلق می کند. یک نویسنده و کارگردان تئاتر در همین ارتباط

با تأکید بر اهمیت کتاب در رشد فکری جامعه گفت: کتاب مستندترین و قابل اعتمادترین منبع برای کسب آگاهی است و هیچ رسانه ای نمی تواند به دقت و عمق آن مخاطب را قانع کند.

فریدین میلانی صدر در گفت و گو با خبرنگار ما اظهار کرد: با وجود پیشرفت های روزافزون فناوری و گسترش ابزارهای نوین اطلاع رسانی، هنوز در بسیاری از کشورهای اروپایی کتاب و روزنامه جایگاه خود را حفظ کرده اند و در سید فرهنگی خانوارها قرار دارند. وی افزود: حتی در این کشورها، سنت هایی چون نامه نوشتن هنوز زنده است، موضوعی که ریشه در فرهنگ مطالعه دارد، چرا که برای نوشتن یک نامه و انتخاب واژگان و جملات مناسب، فرد باید مطالعه کافی داشته باشد.

این نویسنده ادامه داد: اما در کشور ما این هماهنگی فرهنگی وجود ندارد. با گسترش فضای مجازی، شبکه های ماهواره ای و رسانه های جدید، کتاب، روزنامه و مطالعه کم کم از زندگی مردم کنار گذاشته شده اند. هرچند رسانه مطالعه در بسیاری از کشورهای جهان نیز چندان بالا نیست، اما بی میلی به مطالعه در جامعه ما به شکل نگران کننده ای عمیق تر است.

بی میلی به کتاب فراتر از تصور ماست

رئیس خانه مطبوعات آذربایجان غربی و استاد دانشگاه در گفت و گو با خبرنگار ما با تأکید بر لزوم نگاه آسیب شناسانه به حوزه کتاب گفت: بی میلی به کتاب و کتابخوانی در جامعه فراتر از آن چیزی است که تصور می کنیم.

یوسف پیروداقی اظهار کرد: امروز دیگر کمتر کسی قلم و کاغذ در دست می گیرد. حتی در بسیاری از جلسات رسمی و فرهنگی، سخنرانان و مجریان برنامه ها به جای یادداشت برداری یا مطالعه از روی متن، تنها به گوشی های موبایل خود تکیه می کنند و از روی صفحه تلفن همراه سخن می گویند. این رفتار، نشانه ای از فاصله گرفتن از فرهنگ مطالعه و بی حرمتی به کتاب است.

وی با بیان اینکه کتاب پیوند مردم با فرهنگ حاکم بر جامعه است، افزود: آسیب شناسی حوزه کتاب و کتابخوانی باید به صورت جدی در دستور کار قرار گیرد. در کنار آن، خانواده ها نیز باید درک کنند که کتاب بخش جدایی ناپذیر از زندگی است، نه کالایی تزئینی یا فراموش شده در قفسه ها.

پیروداقی یادآور شد: یکی از دلایل اصلی بی میلی به مطالعه در مدارس، حذف تمرین اشنائوسی است، در حالی که انشا می تواند دروازه ای به دنیای اندیشه و مطالعه برای دانش آموزان باشد.

### تحصیل کردگان بی سواد، نتیجه فاصله از کتاب

در همین زمینه، یکی از دانشجویان رشته پزشکی نیز بر نقش نهاد آموزش در گسترش فرهنگ مطالعه تأکید کرد و گفت: مدرسه نخستین محیطی است که باید پیوند میان کودک و کتاب را شکل دهد، اما این وظیفه مهم در بسیاری از موارد فراموش شده است. امیرحسین رضایی ادامه داد: مدارس به جای تشویق دانش آموزان به مطالعه کتاب های غیردرسی در کنار کتاب های درسی، آنان را با حجم بالای تکالیف بی مفهوم و فشار آموزشی درگیر می کنند. در نتیجه، کتاب برای دانش آموز به موضوعی حاشیه ای تبدیل می شود.

وی افزود: به این ترتیب، نه در مدرسه و نه در خانواده، عادت مطالعه در کودکان شکل نمی گیرد. دانش آموزان تنها برای گذر از امتحان ها کتاب درسی می خوانند و همین روند تا دانشگاه ادامه می یابد. در نهایت، نسلی پرورش می یابد که مدرک تحصیلی دارد اما قدرت تفکر، تحلیل و نگارش ندارد، همان پدیده ای که می توان آن را «تحصیل کردگان بی سواد» نامید.

وی افزود: قیمت بالای کتاب در مقایسه با درآمد خانوار نیز موجب شده تا بسیاری از مردم، کتاب را در اولویت خرید خود قرار ندهند و آن را کالایی غیرضروری تلقی کنند.

### ضعف نظام آموزشی، عامل مهم بی میلی به مطالعه

مسئول ادبیات و تاریخ دفاع مقدس اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس آذربایجان غربی نیز با اشاره به اینکه کاهش تمایل جوانان به کتاب یکی از مهم ترین دغدغه های فرهنگی امروز است، گفت: این مسئله دلایل گوناگونی دارد، از گسترش فناوری و شبکه های اجتماعی گرفته تا گرانی کتاب، ضعف نظام آموزشی، کمبود الگوهای فرهنگی، و نبود محتوای جذاب و متناسب با نیاز نسل جدید. زهرا کریم زادگان ادامه داد: امروز بیشتر وقت افراد، به ویژه جوانان، صرف حضور در شبکه های اجتماعی و مرور محتوای کوتاه و سطحی می شود.

این نوع محتوا که سریع و سرگرم کننده است، تمرکز را از افراد می گیرد و در نتیجه مطالعه کتاب که نیازمند زمان و آرامش ذهنی است، برایشان خسته کننده به نظر می رسد. وی افزود: قیمت بالای کتاب در مقایسه با درآمد خانوار نیز موجب شده تا بسیاری از مردم، کتاب را در اولویت خرید خود قرار ندهند و آن را کالایی غیرضروری تلقی کنند.

در چهار فاز اجرایی خواهد شد و نقش مؤثری در توسعه صادرات فناوری اطلاعات و دیپلماسی فناورانه ایفا می کند.

### آذربایجان غربی میزبان سران کشورهای عضو اوکو

مدیرکل ارتباطات استان با بیان اینکه آذربایجان غربی در اجرای پروژه «ایران دیجیتال» از استان های برتر کشور است افزود: فرهنگ سازی در حوزه هوش مصنوعی و آموزش مهارت های دیجیتال باید از مدارس آغاز شود تا زمینه جذب نخبگان در شرکت های دانش بنیان فراهم شود.

جلیلی نژاد با اشاره به حمایت های مالی از کسب و کارهای فناور گفت: حدود ۱۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری در پارک فناوری و ارتباطات انجام می شود و پرداخت تسهیلات تبصره ۱۸ و منابع پست بانک برای شرکت های نوپا در دست پیگیری است و با دستور وزیر ارتباطات، شرایط پرداخت این تسهیلات برای شرکت های دانش بنیان تسهیل خواهد شد تا روند حمایت از استارت آپ ها سرعت گیرد.

پیشرفت پروژه ملی «جی نف» در آذربایجان غربی مدیرکل ارتباطات استان همچنین از پیشرفت مطلوب پروژه ملی جی نف خبر داد و گفت: این پروژه که در تصمیم سازی های کلان کشور نقش دارد، در آذربایجان غربی با تشکیل جلسات منظم کارشناسی و مدیریتی با سرعت مطلوبی پیش می رود و تا پایان سال، بخش روستایی آن تکمیل خواهد شد.

اجرای سند توسعه اقتصاد دیجیتال به گفته جلیلی نژاد، سند توسعه اقتصاد دیجیتال استان آذربایجان غربی به تصویب رسیده و منابع مالی آن با مشارکت اتاق بازرگانی و معاونت اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات تأمین شده است.

وی همچنین از کلنگ زنی مرکز داده منطقه آزاد ماکو با مشارکت بخش خصوصی خبر داد و گفت: این پروژه

باشگاه خبرنگاران جوان تبریز

## مدیرکل ارتباطات استان خبر داد:

# افتتاح ایستگاه فضایی آذربایجان غربی در دهه فجر



راز و مسیر خوبی، این فاصله جبران خواهد شد. توسعه نسل پنجم با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت و کیفیت اینترنت همراه نیز بهبود می یابد.

### توسعه دیپلماسی فناوری در استان مرزی

مدیرکل ارتباطات استان خاطرنشان کرد: با توجه به موقعیت مرزی آذربایجان غربی و هم جوارگی با چهار کشور، در سفر اخیر وزیر ارتباطات به استان، دیپلماسی فناوری و توسعه اقتصاد دیجیتال به عنوان محور توسعه استان تعیین شد و بر همین اساس، تفاهم نامه هایی در حوزه اقتصاد دیجیتال امضا شد.

وی افزود: برای تقویت زیست بوم نوآوری، فضای هزار مترمربعی در پارک فاوا به توسعه استارت آپ ها اختصاص یافته و مجوز ایجاد فضای مشترک فناوری با کشور ترکیه در دست پیگیری است.

### اجرای سند توسعه اقتصاد دیجیتال

به گفته جلیلی نژاد، سند توسعه اقتصاد دیجیتال استان آذربایجان غربی به تصویب رسیده و منابع مالی آن با مشارکت اتاق بازرگانی و معاونت اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات تأمین شده است.

وی همچنین از کلنگ زنی مرکز داده منطقه آزاد ماکو با مشارکت بخش خصوصی خبر داد و گفت: این پروژه

توسعه نسل پنجم با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت و کیفیت اینترنت همراه نیز بهبود می یابد.

### پوشش ۹۴ درصدی روستاهای آذربایجان غربی به اینترنت روستایی

مدیرکل ارتباطات آذربایجان غربی اظهار کرد: بر اساس برنامه ششم توسعه، پوشش اینترنت روستایی باید به ۸۰ درصد می رسد، اما این رقم در استان به ۹۴ درصد افزایش یافت و در برنامه هفتم توسعه نیز تمرکز بر ارائه اینترنت باکیفیت است و تاکنون بیش از ۱۵۰ روستا با ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار تحت پوشش قرار گرفته اند.

به گفته وی، تا پایان سال نیز ۶۴ روستای دیگر با ۲۷۰ میلیارد تومان اعتبار به شبکه پرسرعت متصل خواهند شد و انتظار می رود تا پایان برنامه هفتم، ۱۰۰ درصد روستاهای بالای ۲۰ خانوار از اینترنت باکیفیت برخوردار شوند.

جلیلی نژاد با اشاره به صعب العبور بودن بخشی از مناطق استان گفت: در حال حاضر استان حدود سه تا چهار درصد از میانگین کشوری در پوشش جاده ای عقب تر است، اما با شناسایی نقاط کور و اجرای پروژه های فیبر نوری در مسیرهای مرزی از جمله مرز

طرح نو؛ گروه خبر

مدیرکل ارتباطات آذربایجان غربی گفت: با هدف رصد و پایش ماهواره های ملی و بین المللی افتتاح ایستگاه فضایی استان دهه فجر به بهره برداری می رسد. مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات آذربایجان غربی در گفتگو با خبرنگاران با اشاره به اینکه یکی از چهار ایستگاه فضایی کشور در استان آذربایجان غربی قرار دارد، گفت: مراحل اداری و ساختمانی این ایستگاه تکمیل شده و تجهیزات آن در حال نصب است، این مرکز وظیفه رصد ماهواره های ملی و بین المللی را برعهده دارد و در دهه فجر امسال به بهره برداری می رسد.

قاسم جلیلی نژاد، افزود: آذربایجان غربی در سال های گذشته از نظر ارتباطات ثابت دچار عقب ماندگی بود و سهم اینترنت ثابت در مصرف کل استان کمتر از ۱۰ درصد است، این در حالیست که بیش از ۸۰ درصد مصرف اینترنت در استان مربوط به اینترنت همراه است که از شاخص های جهانی فاصله دارد.

وی ادامه داد: وزارت ارتباطات برای افزایش سهم اینترنت ثابت، پروژه توسعه فیبر نوری منازل و کسب و کارها را آغاز کرده است و تاکنون بیش از یک هزار و ۱۰۰ کیلومتر حفاری و فیبرگذاری در استان انجام شده است و براین اساس، آذربایجان غربی پس از استان های قم و گلستان، رتبه سوم کشور را در اجرای پروژه فیبر منازل دارد.

### اتصال ۳۱ هزار مشترک به اینترنت فیبر نوری

مدیرکل ارتباطات استان تصریح کرد: تاکنون ۳۱ هزار اتصال فعال به فیبر نوری شامل ۲۷ هزار و ۵۰۰ اتصال از سوی مخابرات و ۳ هزار و ۳۵۰ اتصال از طریق سایر اپراتورها در استان برقرار شده است.

وی با اشاره به تأکید وزارت ارتباطات به ارجحیت «اتصال» بر «پوشش» گفت: تمرکز فعلی استان بر افزایش سرعت «اتصال» کاربران به فیبر نوری است تا کیفیت خدمات اینترنتی ارتقا پیدا کند.

جلیلی نژاد از راه اندازی ۱۰ سایت نسل پنجم در شهر ارومیه و شهرستان های بزرگ خبر داد و افزود: با واگذاری فرانکس های جدید و اجرای برنامه اپراتورها،

### شناسه آگهی: ۲۰۴۴۹۵۷ روزنامه طرح نو

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۷/۳۳۱  
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

### آگهی تعیین حدود اختصاصی

چون تعیین حدود ششدانگ یک قطعه قبرستان واقع در قریه لاله بتولیت اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه ۲ تبریز تحت پلاک ثبتی ۲۵۵ فرعی از ۳ اصلی بخش ۱۰ تبریز در مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ روز سه شنبه رأس ساعت ۸ صبح مطابق بند ۴ ماده ۱۴ قانون ثبت شروع و به عمل خواهد آمد بدینوسیله به کلیه صاحبان، مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاعی اخطار گردد تا در موقع تعیین شده حضور به هم رسانند.

اعتراض مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاعی که در موعد مقرر در محل حاضر نباشند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت تا ۳۰ روز از تعیین حدود پذیرفته خواهد شد و مطابق ماده ۸۶ آیین نامه قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مراجع ذیصلاح اداره تسلیم نمایند. در غیر این صورت متقاضی ثبت و یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

### تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

### علی رستمی

### رئیس اداره ثبت اسناد و املاک

### غوب تبریز

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی  
آدرس تبریز: خیابان امام - مابین چهارراه منصور و میدان ساعت - جنب مسجد کبود  
مجتمع تجاری ابریشم - طبقه اول - واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲  
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱  
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸  
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

# طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امام صادق (ع):

هر کس خوبی بکارد، خشنودی درو می کند و هر کس بدی بکارد، پشیمانی می چیند، هر کس هر چه بکارد، همان را درو می کند.

شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۴۴۲

یادداشت

## مدیریت ایمنی و بحران شهری در شهرداری‌ها



طرح نو، ابراهیم سلیمی

از موارد مدیریت شهری، مدیریت ایمنی و بحران است که شامل مرحله پیش از بحران، مرحله آغاز بحران، مرحله حین بحران به مرحله پس از بحران میشود. پراکنش شهرها در نقاط آسیب پذیر، عدم رعایت قوانین و ضوابط فنی و مهندسی در دهه های گذشته، بافت کهنه و فرسوده اغلب شهرها، وجود ساختمانها و ابنیه های کم دوام و وجود جریان های سیلابی در برخی شهرها از جمله معضلات مهمی است که در صورت وقوع بحرانهایی نظیر زلزله و سیل، دامنه آن را تشدید و عمق و وسعت فاجعه را نیز مضاعف می کنند. متخصصین امر بر این باورند که نقش شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد عمومی در مدیریت بحران یک نقش و مسئولیت محوری است و هماهنگ کننده سایر سازمانها و عوامل دخیل در مدیریت ایمنی و بحران شهری است، لذا با سازماندهی، تدوین برنامه های منسجم و عملیاتی نمودن آنها در شهر میتوان نظام پویای مدیریت ایمنی و بحران شهری را پیریزی نمود تا از این طریق بتوان دامنه بحران را در هنگام وقوع و پس از وقوع کاهش داد.

لذا میتوان گفت که مهمترین راه حل کاهش آسیب پذیری و ایمن سازی شهرها در برابر بلایای طبیعی، ایجاد ستادهای مدیریت بحران شهری و سازماندهی و هماهنگی سازمانهای مسئول امر مدیریت بحران است و در این میان، نقش شهرداریها در سطح محلی بسیار حایز اهمیت است. علیرغم تدوین قوانین و مقررات کلان پویزه در سالهای اخیر، نظیر چشم انداز ایران در سال ۱۴۰۴ مصوبات و سیاست گذاری های کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور و سایر ضوابط و دستورالعمل های دولتی در زمینه ایمن سازی و مقاوم سازی، متأسفانه به دلیل عدم شکل گیری ساختارهای مربوطه در سطح محلی، وقوع هر نوع بحرانی شهرهای کشور را با مشکلات و تهدیدهای ناگواری مواجه میسازد. به موازات پیشگیری ها و پیشبینی های پایه و اولیه، تدوین اصول و راهکارهای مدیریت ایمنی و بحران در نقاط شهری امری ضروری است؛ هرچند که مدیریت بحران یک مجموعه منسجم از سازمان های دولتی و نهادهای مردمی است، لیکن پیشگامی مدیریت شهری در مدیریت ایمنی و بحران حایز اهمیت می باشد. نقش شهرداریها به عنوان یک نهاد عمومی در مدیریت ایمنی و بحران یک نقش و مسئولیت محوری است و هماهنگ کننده سایر سازمانها و عوامل دخیل در مدیریت ایمنی و بحران شهری می باشد.

\* مسئول شهرسازی منطقه ۲ مراغه

شهردار تبریز:

## تحقق چشم انداز توسعه ای شمالغرب تبریز در برنامه و بودجه ۱۴۰۴



طرح نو؛ گروه شهری شهردار تبریز با اشاره به تحقق چشم انداز توسعه ای شمالغرب تبریز در برنامه و بودجه ۱۴۰۴ گفت: مدیریت شهری با توجه به ظرفیت های موجود در منطقه ۶ تبریز، به دنبال توسعه پایدار غرب و شمالغرب تبریز است. یعقوب هوشیار در جریان بازدید از پروژه های عمرانی در حال اجرای منطقه ۶ تبریز افزود: با توجه به برنامه و بودجه مدون سال ۱۴۰۴ مبنی بر افزایش سرانه های خدماتی، اجرای پروژه های توسعه فضای سبز، مسیرگشایی و زیرساخت های ورزشی شمالغرب تبریز در حال تحقق است. هوشیار اظهار کرد: این منطقه به دلیل قرار گرفتن در مسیر حمل و نقل ریلی، هوایی و ترانزیتی، به سرعت در حال توسعه است و مدیریت شهری در تلاش است تا در حوزه مسیرگشایی اقدامات ویژه ای در این محدوده انجام دهد. به گفته وی: احداث مسیر دسترسی قراملک به

توبان شهید باکری، مسیرگشایی های ۶۵ متری الوار، ۳۵ و ۲۴ متری صنعتگران مایان از دیگر برنامه های مهم مدیریت شهری در این منطقه به شمار می رود. شهردار تبریز در ادامه با تأکید بر توسعه زیرساخت های خدماتی و ورزشی در غرب تبریز خاطر نشان کرد: افزایش فضای سبز، احداث ایستگاه آتش نشانی شهدای هوانیروز، زمین ورزشی مایان و سالن ورزشی آناختون از دیگر پروژه های شاخص

در دست احداث شهرداری منطقه ۶ تبریز است. گفتنی است در ادامه این بازدید میدانی، شهردار تبریز از پروژه های عمرانی این منطقه از جمله کف سازی بازارچه امیرکبیر شهرک امام خمینی (ره)، بازارچه های محله های میوه و تره بار، پروژه مشارکتی الماس، مسیرگشایی ۶۵ متری الوار، ورزشگاه چمن مصنوعی مایان و مسیرگشایی های ۳۵ و ۲۴ متری صنعتگران مایان بازدید کرد و روند اجرای آن ها را مورد بررسی قرار داد.

شهردار منطقه ۵ خبر داد:

## آرپاداره سی قطب جدید گردشگری تبریز می شود



قاسمی از توسعه ۱۳۵ هکتاری فضای سبز طی چهار سال گذشته در این منطقه خبر داد و گفت: ۸۰ هزار اصله درخت در محدوده آرپاداره سی و سایر نقاط منطقه کاشته شده و ۲۰۰ کیلومتر شبکه لوله گذاری آب خام برای آبیاری مکتبیزه اجرا شده است.

قاسمی با اشاره به اهمیت پروژه آرپاداره سی گفت: این محدوده به عنوان تفرجگاه و تنفس گاه تبریز در حال آماده سازی زیرساخت های گردشگری است. احداث استخر ۷۰ متر مربعی تا پایان سال به اتمام می رسد و هدف ما ایجاد جاذبه گردشگری همچون مجموعه عینالی و

طرح نو؛ گروه شهری شهردار منطقه ۵ تبریز به تشریح آخرین وضعیت پروژه های عمرانی این منطقه پرداخت و گفت: توسعه زیرساخت های شهری یکی از اولویت های مهم این منطقه است. علی قاسمی شهردار منطقه ۵ تبریز در نشست خبری خود از رشد بی سابقه بودجه شهرداری تبریز در چهار سال اخیر خبر داد و گفت: بودجه شهرداری تبریز طی این مدت جهش قابل توجهی داشته است.

وی افزود: طی سه سال اخیر، هدف گذاری دقیقی برای رشد و تحقق بودجه انجام شده و نتیجه آن تعالی و پویایی شهر است. در شش ماهه نخست امسال، با وجود تعطیلی های متعدد ۱۰۰ درصد بودجه شهرداری تبریز محقق شده است.

شهردار منطقه ۵ با اشاره به تحقق ۶۳ درصد از بودجه ۱۷۰۰ میلیارد تومانی این منطقه از ابتدای سال تاکنون گفت: بیشترین سهم بودجه عمرانی بین مناطق ده گانه شهرداری تبریز به منطقه ۵ اختصاص دارد و هدف ما توسعه زیرساخت های شهری و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است.

گزارش

## سد معبر، بلای جان نظم و ترتیب معابر عمومی



طرح نو؛ خاطره میرزایی سد معبر، به ویژه در معابر پرتردد شهری یکی از عوامل بروز نظم و اختلال در ترافیک و تردد شهروندان است؛ هر مغازه دار بخشی از خیابان یا پیاده رو را به خود اختصاص داده و با چیدن سبدهای خالی حتی، مانعی برای پارک خودرو و یا عبور شهروندان ساخته است. دنده عقب گرفتن تا ماشین را در کنار خیابان پارک کرده و وارد یکی از ادارات شوم؛ تا فرمان را ببیچانم، دیدم یکی از مغازه داران چند سبد را در جای پارکی که در نظر گرفته بودم، قرار داد و مانع پارک خودرو شد؛ پیاده شده، دلیل را پرسیدم که با پاسخی تعجب آور روبرو شدم، مبنی بر اینکه اینجا جلوی مغازه من است و متعلق به من؛ و شما حق ندارید اینجا پارک کنید!

فارغ از صحبت های بی نتیجه با مغازه دار در خصوص معابر عمومی و قوانین مربوط به آن، وقتی با اندکی دقت به فضاهای عمومی شهر می نگریم، چنین پدیده هایی را در اکثر خیابانها و پیاده روهای شهر می بینیم؛ سد معبر در اشکال و انحای مختلف، از سوی کسبه و اصناف و گاه حتی از سوی شهروندان انجام می شود و تاکنون نیز چاره اساسی برای آن اندیشیده نشده است. سد معبر، به ویژه در معابر پرتردد شهری یکی از عوامل بروز نظم و اختلال در ترافیک و تردد شهروندان است؛ هر مغازه دار بخشی از خیابان یا پیاده رو را به خود اختصاص داده و با چیدن سبدهای خالی حتی، مانعی برای پارک خودرو و یا عبور شهروندان ساخته است. بعضی ها پارا فراتر گذاشته و با نصب پل مابین خیابان

برخورد با عوامل سد معبر است. در وهله دوم نباید از نقش شهروندان در این زمینه غافل بود. فضاهای عمومی شهر متعلق به تمامی شهروندان است و نمی توان به بهانه اینکه اینجا مقابل مغازه من یا منزل من است، راه را بر عبور دیگران بست؛ معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تبریز در این زمینه می گوید: ابتدا باید نکته را به شکلی بارز و مشخص بیان کنیم که معابر عمومی و خیابانها و پیاده روها، ملک شخصی نیستند و افراد نمی توانند به واسطه خانه یا مغازه شان، قسمت روبروی ملک خود را که بخشی از فضاهای عمومی شهر است، متعلق به خود بدانند.

انضامی تاکید می کند: این فضاها باید در اختیار همه شهروندان قرار بگیرد و هر گونه تصرفی در این قسمت ها، خلاف قانون است و سد معبر محسوب می گردد. شهرداری هم به عنوان متولی امور شهری، وظیفه خود می داند که با این موارد برخورد کرده و گاه نیروی انتظامی نیز در این زمینه با شهرداری همکاری میکند. وی در خصوص کارهایی که منجر به سد معبر می شود، اظهار می کند: چیدن اجناس و اقلام فروشی در پیاده رو یا خیابان، نصب تابلو و ساخت سکو در حریم خیابان یا پیاده رو، قرار دادن موانع مختلف در مقابل مغازه به ویژه در خیابان برای جلوگیری از پارک خودروها و امثالهم، از جمله مصادیق سد معبر است که علاوه بر نقض قانون شهروندی، موجب مسدود شدن مسیر عبور عابران پیاده و حتی وسایل نقلیه شده و ضمن ایجاد ناهنجاری های

سد معبر است. و اما حکم چیست؟ مطابق ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها، هرگونه تصرف غیرمجاز در معابر عمومی به عنوان سد معبر محسوب می شود و شهرداری ها موظفند برای حفظ حقوق شهروندان و تسهیل تردد، با متخلفان برخورد کنند. این قوانین شامل اقدامات نظارتی و اجرایی شهرداری ها است که به منظور جلوگیری از سد معبر و نخاله ها و زیاله های ساختمانی، لوازم و وسایل به درد نخور منزل و حتی نصب مانع برای جلوگیری از پارک خود رو در کنار دیوار ساختمان، از دیگر اشکال

بصری، نظم شهر را نیز بر هم می زند. معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تبریز ضمن تاکید بر برخورد قانونی با چنین تخلفاتی می افزاید: طرح نظارت مستمر بر معابر عمومی با هدف ایجاد شهری منظم، زیبا و ایمن برای شهروندان به صورت روزانه در دستور کار قرار گرفته و علاوه بر مغازه داران، کسبه سیار و وانت بارهای متخلف نیز تحت کنترل هستند. انضامی با ارائه آماری از اقدامات این معاونت در طی شش ماهه اول سال جاری تصریح می کند: معاونت های محیط زیست و خدمات شهری شهرداری تبریز در مناطق دهگانه شهرداری، با رصد های روزانه و بازدیدهای میدانی، توانسته اند در شش ماه اول امسال، بیش از ۵۳۰ مورد سد معبر مغازه ای را در سطح شهر و در حوزه مناطق دهگانه شهرداری، شناسایی و رفع کنند. فارغ از تمامی قوانین و بایدها و نبایدهای نوشته شده در ماده ها و تبصره های آن، مسئله ای به نام وظیفه شناسی و وجدان انسانی، برتر از تمامی گفته ها و نوشته ها مطرح است؛ شهروندی که وجدانی بیدار و آگاه دارد و با وظایف خود در جامعه شهری آشناست، مسلما حقوق دیگران را به خاطر منفعت شخصی ضایع نمی کند و همانند چهارچوب خانه خود، برای شهر خود نیز احترام و ارزش قائل می شود. سبطره چنین اصولی بر رفتار و افکار شهروندان، شهری آرام، بدون دغدغه و زیبا برای شهروندان رقم می زند.